

مسیو مارن - وکیل ملی و منشی

د منسو - (ادوکی) محکمه استیناف

د مزیر - اعضای اکادمی سنت فرانسه

جناب مؤیدالاسلام رئیس روزنامه حبلالمتین کلکته

د ممتازالدوله رئیس سابق مجلس ملی ایران

د نظر آقا - وزیر مختار سابق ایران

مسیو اوروزدی - قوسل جنرل دولت جمهوری

دومک

د با او - منشی روزنامه تان

د رییر - وکیل

د ریوا - ادوکی

د روشی - وکیل ملی وزیر سابق (نایب رئیس)

د سامبا - وکیل ملی

د ماریس اسپرنگ - وکیل ملی

د ایپال والک - مهندس

د بوگنی والک - مهندس

د واصل - مهندس

د تردید رسمی جناب مشیرالملك وزیر مقیم

( لندن از روزنامه طمس )

از سفارت خانه ایران در لندن روزنامه طمس

چنین نکارش شده که در اخبار طمس سوم سبتمبر

وسوم اکتوبر آنچه در خصوص ایران نوشته شده مقرون

بصواب نیست لذا تردید نموده مینویسد ابداً دزدی

در راه اصفهان و یزد و شیراز نشده و آنچه در ماده

جناب مستطاب آقا سید عبدالحسن لاری و حله رانگه

نوشته اند حالی از صحت و بی بیاد است ، جناب

سید را کمال عزت و احترام نموده و با منتهای

توقیر بشیراز طلب کرده و عنقریب هم روانه بطرف

شیراز خواهند گردید و احترامات شایان در شیراز

از ایشان خواهد شده از هر صوبه که اخبارات میرسد

همه خاطر خواه و امنیت است و حکام هم برای

هر جا تعین و بسید-اریم در محل حکومت

خود رسیده اند - با صد نفر سوار برای برقراری

امنیت در قزوین فرستاده شده .

بموجب خطوط - بوشهر ابداً امنیت نیست و اثری

از اثرات تمدنی از قبیل عدلیه بلدیة نظمیة و معارف

اداره حکومتی و غیره دایر نشده فقط انجمنی

هست که میتوان آنرا هم اسم بلا رسم دانست، در

بوشهر از حاکم گرفته تا بحال همه بدافعه شخصی

مشغول اند و این بواسطه نفاذی است که سرشت

اهالی این شهر گردیده است

بوشهر در چه حال است

هرکس واقف از اوضاع بوشهر و شیراز باشد

میداند که اصلاح شیراز بدرجات شقی از بوشهر صعبتر

بود، چه شد وجود محترم ایالت در چند روز قسمی

نموده که رشک جمیع بلدان ایران گردیده است

ما از جناب دریاییکی استدعا می نمایم که درین

موقع نازک داغ باطله روی خود نگذارند ، هیچ

عذری از ایشان مسوع نمی شود ~~که~~ تا امروز

نه نظایه و نه عدلیه و نه اداره حکومت در مرکز

حکومت کل بنادر موجود نیست، عذری دارید

یا مانی در کار است چرا در جرائد اعلان نمیدماید

که در رفع و دفع آن کوشش شود و بی جهت

داغ بی لیاقتی و لنگه عدم همراهی بجناب علی

وارد آید و ما خیر خواهانہ میگوایم که نوری

باید اوصاع حکومت بنادر را تغییر دهید

ورنه برای همیشه از کارهای دولتی معاف خواهید

شد . حیف است وجود با کنایاتی مانند جنابالی

مهمل و معطل ماند، همین قدر خیر خواهانہ میگوایم

( بنده میدانم بسیار از پیش آمد ما را که شاید

جنابالی ندانید پس عجلت در کار کنید که حسن

ظن ملت از شما سلب نشود )

رونق مشروطیت در محرم

روزنامه شریفه اصلاح می نویسد که آثار تمدن

و علام مشروطیت به نیکوترین اسلوبی در محرم

شروع باجرا گذارده و اهالی از توجه جناب

سردار ارفع کمال تشکر را حاصل نموده اند و ما

امیدواریم عنقریب محرم رشک مصر، و عربستان تالی

وادی نیل، و شطالعرب خنده بر رود نیل زند

اخبارات راجعه بایران

روزنامه طمس لندن دهم اکتوبر مینویسد . عده

وکلائی که تادم اکتوبر وارد طهران شده بالغ از

نصف متخیز است و وزیر داخله کان می نماید که تا

آخر این شهر باندازه وکلا وارد طهران بشوند که

قانوناً بتواند پارلمان را افتتاح نمایند

( حبلالمتین )

تا امروز که اول نومبر است تلگرافاً خبر افتتاح

پارلمان نرسیده معلوم می شود که وکلا باندازه

کلی وارد طهران نشده اند )

و توفیق الدوله ~~که~~ از رجال با کفایت فعال  
مدیر و مدیر و مشهور المیافه است بعهده وزارت  
جلیله عدايه منتخب گردید و این انتخاب برخلاف  
رسم و عادت دیرینه ایران بوده که از متوسطین  
رجل بحیثیت قابلیت و لیاقت در کابینه وزرا شامل  
گردیده ، و این اول موقی است که در کابینه وزرا  
این گونه رجال داخل شده میتوان این انتخاب را  
یادگار این عصر قرار داد ( اعضای اداره جلالتین  
تبریک میگویند )

چند روز است هیجان در ملاهای بی تحت  
پدیدار گردیده و امروز ( ۱۰ - اکتوبر ) یکجا  
جمع شده که در موضوع شکایات خویش بحث نمایند  
شکایت آنها بیشتر این است که با اسلحه بیرون  
نیایند و عده سکاها دارندگان سلاح کم شود و نیز مطالبه  
کنند تخمین را که در مواجب این افتاده آنها شده  
اخبارات ایران اطبار مسرت می باید که حصه  
عمده قشون روس از تبریز خارج گردید و این  
امر اهالی ایران را روح تازه بخشیده ولی از قیام  
قشون روس در قزوین خیلی ملول و در هیجان اند  
اخبار (شرق) ~~که~~ بواسطه بحثی که در خصوص  
اعضای دولت نموده بود توقیف شده بود و مجدد بطبع  
شروع نموده مینویسد ( که حرکت قشون روس از  
تبریز مرید بر اتحاد ملقبین ایران و روس گردیده و  
هرگاه قشون قزوین را نیز عودت دهد مرید بر ترقی  
روابط اتحادیه ملقبین خواهد گردید )

بوجب سکارش و قایم سکار اداره اخبار  
( شرق ) روزنامه است ~~که~~ به سیاه و مسلك  
( ایران نو ) تازه در طهران اشاعت یافته معلوم  
می شود هم قلم ما توقیف شده بود و از توقیف  
هم بیرون آمده است ما طبع و انتشار این جریده محترم  
را ندیده تبریک میگوایم )

ملاهای طهران امروز که ۱۲ اکتوبر است جمع شده  
که در مسائل واجبه بخود بحث نمایند و چنین تصویه  
نموده اند که یوم جمعه يك مجلس بزرگ منعقد سازند  
و چنان ظاهر می شود که حکام سالی اند ~~که~~  
احکام آنها را که خارج از عدايه باشد نشناسند و  
سند قرار ندهند

ولی علما دعوی می نمایند که ما در خدمات

دولتی ثابت قدم نریم نسبت بدیگر ایقاقات چنانچه  
خدمات خودمان را درین دوره دولت جدید مدلل  
داشته ایم

دو طالبان از قشون ملی اجتماع نموده شکایت  
دارند که حقوق آنها درست نیرسد و امروز حضرت  
سپه دار اعظم رئیس الوزرا در مجلس آمان شرکت  
نموده اطمینان داد که سلوک دولت در حق آنها  
نهایت پسندیده خواهد بود من جمله شکایت آنها  
این است که حکام آنچه از مالیات وصول می  
نمایند حبت و میل می کنند و اعراض دارند که هر  
اداره باید خرج و دخل خود را اشاعت دهد و ندهد  
اخبار مسجتر گردن - مینویسد که اخراج يك  
حصه قشون روس از تبریز تا درجه مزید اطمینان ما  
از روس گردیده ولی دوستان ایران را وقتی اطمینان  
حاصل خواهد گردید ~~که~~ تمام قشون خود را که  
در ایران گذارده و مدت است تبریز نیاز از آن  
بوده طلب شوند خاصه قشون ~~که~~ دولت روس  
در قزوین گذارده که قرب پای تحت است و بیخ  
وجه ضرورت بوجود آن قشون دیده می شد و  
امروز هم هیچگونه ضرورت ما آنها نیست و دولت  
روس را هیچ قسم مانه در قیام آنها بدست نیباشد ،  
افتتاح پارلمان عقرب خواهد شد و چنان تصور می شود  
که پس از افتتاح پارلمان بالاصاله بزرگترین اسباب خروج  
قشون روس از قزوین خواهد بود چه قیام قشون  
روس بعد از افتتاح پارلمان خلل در امنیت و استقلال  
ایران تواند انداخت و قوی ترین مانع در پیشرفت  
امور دولت و ملت خواهد بود ازین و بعد سعادت  
و بختیاری ایران در سایه اقدامات پارلمان باید باشد  
مشروط بر اینکه وکلای ایران تکلیف خود را بدانند  
باید تصدیق نمود که قیام قشون روس در ایران  
فوق روسیه را خلل عظیم رسانیده و در آتیه  
نیز خواهد رسانید پس حکومت انگلیس راست  
~~که~~ توکید نماید رئیس الوزرا و وزیر خارجه  
روس را که سریعاً از تمام ایران کابینه قشون خود را  
خارج نماید و این امر بالاصاله تأییدی بزرگ به دولت  
روسیه خواهد بود

### اعلان

جوکای محترم در هر نطه اعلام می شود ~~که~~  
جرائد فارسی که در هر شهر اشاعت می شوند حق

مبادله يك نسخه جيل المدين را دارند، لذا بهر يك از ادارات جرائد فارسی يك نسخه تقديم شود و سپس هم هر جريده فارسی كه اشاعت يابد همين حق را خواهد داشت

و كالت جيل المدين در تبريز

زحمت وكالت جيل المدين در تبريز با جناب آقا ميرزا عبدالحسين عبدالله زاده مدير كتابخانه آذربايجان است، هر كس طالب باشد رجوع بایشان نمايد  
- اعلان -

محض خدمت بابنای وطن مقدس و برای ترويج و تسهيل معارف يك باب كتابخانه موسوم به ( آذربايجان ) در شهر تبريز مفتوح شده هر قبيل كتب از السنه مختلفه جلب و بيعت مناسب فروخته خواهد شد .

و عموم مديران جرايد داخله و خارجه ميتوانند وكالت جرايد خودشان را بدانجا رجوع نمايند . و كتابخانه بيز تعهد و ضمانت می كند كه وجه ابونه را با دو قسط در هر شش ماه بدارهجات جرايد برساند .

( توضيح ) اين ترتيب برای آن داده شده كه هر گاه يكي از جرايد در عرض سال بواسطه وقوعات و حوادث داخلی و خارجی دچار تعطيل و توقيف بشود آن وقت كتابخانه مسؤل وجه ابونه مشتركين نگردد

( مدير و مؤسس ميرزا عبدالحسين عبدالله زاده )

اخبارات خارجه

در ( تريسي - سلاوينا . و هنگاري ) سخت زلزله شده ولی نقصان زيادی وارد نيامده است  
مستر گرین سفير چين را از چكاكو به واشنگتن باز طلبيدند بعلت اين كه در يكي از اخبارات چكاكو منباب معاهده چين و ژاپون برخی نكات نكارش يافته بود كه خيالات دولت امريكا را افشا مينمود و چنان كان رفته است كه نكارنده در اخبار مذكور سفير مزبور بوده است . هر گاه سفير مشارايله براثت ذمه خود را از ابراز راز دولتي ثابت نمايد اسمش از دفتر سترای امريكا خارج خواهد شد

حيونك پزی صد هزار دالر برای دارالعلوم

هنگانك بداره معارف هنگانك تقديم نموده است . مبلغ مذكور را بطريق اجاه از مضافات (كتنان) حاصل نموده بود

لارډ تسدون ومستر بلزورد توام بااعليحضرت ادورد هقم ملاقي شدند . سپس مستر اسكويوت رئيس الوزراي كنوني نيز برای ملاقات احضار شد مستر اسكويوت بانزده دقيقه با اعليحضرت ملاقات کرده وسپس بجانب (قرات) رهسپار گرديد . از اين رو ظامری شود كه مخالفتي سخت بين ايرال و كنسرويتو باين زودي پيش نخواهد آمد

عاقبت مستر گرین مجبور باسته‌اي از سفارت چين بجرم افشاي خيالات دولت گرديد انجمن تجارت لندن تحريك بحكومت نموده است كه در كايه جہازات تجارتي آلات تلگراف بي سيم بايد ميبا شود

شاهزادگان يوناني تماماً از عهد های نفاس خود استعنا داده اند

بواسطه كثرت بارندگی اسپانيا را در مراكو خسارات زياد وارد آمده و در حثت قشون وی نيز ختل رسیده است

وزير جنگ يونان در پارلمان اظهار داشته كه يونان را قوه جنكي بايد كامل شود تا قابل همسري با عنانی شناخته آيد چه افق شرق قريب خيلى مكدر به نظر می آيد

اعليحضرت سلطان عنانی ( اسمد ) كه واقع در آسيای كوچك است ملاحظه فرمودند اهالی از قدوم اعليحضرت خيلى اظهار مسرت می نمايند در حين ملاقات با اهالی اعليحضرت فرمودند « من خيلى خوش وقم كه تمام رعاياي من بدون ملاحظه مذهب آسوده و خوشحال باشند و اين اصول ممكن نيست جز به سلطنت مشروطه » در عودت باسلامبول دسته جہازات جنكي زير فرمان اميرالبحر كبل را ملاحظه خواهند فرمود

اعليحضرت سلطان وارد اسلامبول شدند هفتم جہاز از دسته جہازات اميرالبحر كبل در معيت اعليحضرت بود انسران ملكي و وزرا در آيناي ( مارپورا ) بحضور مبارك سلطاني نائل آمدند و در آيناي قانسريس و عايا مرض تبريك نمودند

( قیمت اشتراك )	و كذا حق غذا برون بدون قيس ندادند و تا وقتي كه ( مشاركين را مصر محسوس سال هفدهم دست نداشت ) ( دمه شان بي شفاخته نميشود )	( جبل المتين كلكته )
( سالانه -- شش ماهه )		( مديكل كالج استريت نمبر ۴ )
( هند و برمه )	ماه مقدسه	HABIBUL MATIN OFFICE 1, MEDICAL COLLEGE STREET CALCUTTA
( ۱۲ روپيه -- ۷ روپيه )		( كليه امور اداره با )
( ايران و افغانستان )		( مدير كل مؤيد الاسلام است )
( ۴۰ قران -- ۲۰ قران )		( هر دوشنبه طبع )
( عثماني و مصر )		( وسه شنبه توزيع ميشود )
( ۵ مجيدي -- ۳ مجيدي )		( يوم دوشنبه )
( اروپا و چين )		( ۲۴ شوال ۱۳۲۷ هجري )
( ۳۰ فرانك -- ۱۶ فرانك )	سنه ۱۳۱۱ هـ	( مصادف با )
( روس و تركستان )	مجموعه مراسلات خصوصي بدون امضای	( ۸ نومبر ۱۹۰۹ ميلادي )
( ۱۰ مات -- ۶ منات )	( معروف اداره درج نميشود )	

# المتين

در اين جريده از هرگونه اخبار و وقايع سياسي و منافع دولتي و فوايد ملي بحث ميشود  
( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

## جبل المتين

افتشاش اردبيل و دزدبهاي راه شيراز واصفهان  
و گنده كاريهاي بين بوشهر و شيراز همه از يك منبع آب  
ميخورند، يعني از عدم اتفاق صميمي رؤسا و از نداشتن  
وزرات خانه هاي صحيح است، وقتي اشترار ديدند  
در مركز هشت مديره و كابينه وزرا دست اتحاد بهم  
ندادند، همين كه معلوم شد وزارتخانه هاي ما از شكل  
چهل ساله بيرون نيامده، و ملاحظه آمد كه مستبدان  
معروف و مذبذبين انگشت نما يا دركابينه وزرا و يا  
در ساير كارها شركت دارند و سايزين هم كه در  
درجه اول مستبدان بشمار بودند و امروز بافرداست  
كه بهتر از اول بروي كار آيند، معلوم است و اهمه  
خود را غلط دانسته وضع را همان وضع و اوضاع  
را همان اوضاع اوليه مي بندارند در خيالشان باشتباه  
و التباس كارها از پيش ميرود، از يكطرف دست  
و دل احرار از كار سرد و از طرف ديگر اشترار  
جرئت و جسارت پيدا كردند، و همين امر منتهي آمال  
و آرزوي همسايمان بوده و هست، چه تا يك اندازه  
از جديت مرداران ملي اشترار پيش ياي خود نشسته  
و سد ابواب بهانه جوئي آنها شده بود.  
رحيم خان شرور مرده زنده نگردیده مگر به  
اطمينان باطني ناپندگان همسايه و اشارات سري  
مستبدان مركزي همان قسم است تا امن جنوب  
جزیره ای تا گواوما این است که سرما...

## تلگرافات روتر راجع به ايران

( ۱۹ شوال - ۳ نومبر )  
بموجب تلگرافي كه مخبر روتر از پترزبرگ داده  
رحيم خان اردبيل را قبضه نموده است  
تلگرافي كه از طهران رسیده تصديق قبضه  
رحيم خان را بر اردبيل نمي نمايد  
( ۲۰ شوال - ۴ نومبر )  
بر حسب تلگراف پترزبرگ نظر ماغشاش اردبيل  
قزاقان را براي حفاظت و عايلای روس حكم شده  
بجانب اردبيل حرکت نمايند  
بين راه شيراز و اصفهان تا كنون عمل از  
دزدان است  
دزدان دشتستاني سيم تلگراف انگليس را قطع  
نموده ويست و چهار ساعت مخبرات به بوشهر قطع  
بوده فعلاً سيم درست شده است  
( ۲۱ شوال - ۵ نومبر )  
تلگرافي كه از ( پترزبرگ ) رسیده ظاهر ميدارد  
ايلات تابع رحيم خان شهر اردبيل را غارت نموده  
حكومت و اعضاي انجمن و علما در قونسلخانه  
روس بنامنده شده رحيم خان از قونسل روس  
متحصنين را طلب مي نمايد، و براي تايد قونسل  
فورا سواران فرستاده شده است فقط پنجاه نفر  
فزيق هر قونسلخانه پيش نيست

فتاح . وكلا و كابينه ولو نارهم باهم داشته باشند  
جدادست اتحاد بيكديگر داده توام دررفع اين انقلابات  
عاقبت سوز بگوشند، چه خدای ناخواسته اگرچندی  
بدین منوال بگذرد يك مرتبه سررشته امور از كف  
بيرون خواهد رفت، و رنگ ديگر بروی كار خواهد  
آمد در آن حال نه وضع کنونی باقی ماند نه نار  
امروزی ، فرد فرد كم افسوس بهم خواهیم سود  
در حائیکه سودی نیایم

بدون شبهه درین واقعات دست نامرادگان  
خام طمع چه بالا - اله و چه باو کاله از جانب  
خارج، درکار است هیچ موقع تأمل و بیچیدن در  
جزئیات برای خیر خواهان ایران نیامده

امروز وقت پارتی بازی نیست ، امروز موقع  
آن نمیباشد که ملاهای طهران انجمن نموده حقوق  
عقب اوفتاده بخوانند ، امروز شایسته نیست مجاهدین  
و قشون دو طلب برخی شکایات پیش نیاید ، امروز  
زیبنده نباشد که انجمن اصفهان تعلل درادای حقوق  
دولت نماید

نباید این واقعات را کوچک شمرد ، هیچ نباید از  
جلوگیری این گونه انتقادات تعلل ورزید و سستی کرد  
برخی خیالات خام را بعضی مصادر امور باید از سر بر  
کنند ( که تبدیل این وضع ممکن است برای آنها مزید تر  
شود ) چه واقفان رموز میدانند اگر تبدیلی درین  
وضع پیش آید حیات استقلالی ایران حتمه خواهد  
پذیرفت و همیشه مطروف هم تابع طرف بوده است  
درست باید در خرافات کرنل لیاکوف که در  
جراند روسیه اشاعت یافته غور نمود ، و خیالات  
همسایکان را در حق ایران و اکادیی که بهم می  
بافند ملتفت شد

امروز دشمنان خارجی و داخلی ایران دست بهم  
داده هرگاه اندک تعلل از مصادر امور و یا قلیل  
اختلاف بین مجلس و کابینه وزرا مشاهده نمایند مجدد  
خسک شرارت را در میدان خواهند انداخت و پیش  
از دوره محمد علی اسب تازی خواهند کرد

هیئت کابینه و امنای ملت باید بدانند که امروز  
روس و انگلیس در معاملات ایران متحداند و نطق  
نازه سرادوردگری در ( سنیل ) کاملاً این نکته  
را تصریح می نماید و درین ماه دسمبر که آخر سال  
میلادی است برخی امتیازات و کنفراکت های روس

خانه می پذیرد ، و برای اینست که دوباره آن  
کنفراکتها را تجدید نماید گریه ها برای ایران خواهد  
رقصاند ، بلکه ایرانیان در فشار آمده به تکالیف  
آنها تن در دهند و خیلی باید عاقلانه و هوشیارانه  
حرکت کرد که کار رنگ دیگر اختیار نه نماید  
مذبذبین جاسوس را در وزارت خانه ها راه ندهند  
تا راز های مملکت به بیگانگان فاش نشود  
باز هم باید گفت

رموز دامان سیاست میدانند که انتشار کنونی  
ایران بدون تأیید و اطمینان خارجی این جلوه بروز  
نه نموده است ، لطیف تر آنکه در يك روز و يك  
وقت واقعه اردبیل و حادثه دشتستان و ناامنی راه  
شیراز و اصفهان اشاعت یافته است

حای هیچ شبهه نیست که امروز دستهای خارجی  
و مستبدین داخلی متحد شده برضد حکومت جدید  
کار میکنند و خواهند کرد ، دولت جدید باید مانند  
سد سکندر در جلو این انقلابات بایستد و دفاع  
کند

این خیال خام است که بعضی تنگ مغزان  
نموده اند که بخلع محمد علی و اخراج او از طهران  
ریشه استبداد از ایران کننده شد ، واقفان رموز  
میدانند تا وقتی که رجال صاحب نود که در سایه  
استبداد بمقامات عالی رسیده در ایران باقی اند قلع  
و قمع استبداد از ایران نشده است ، بارها نوشته ایم  
خراب کردن بنا آسان است ولی بهتر از آن را  
تعمیر کردن دشوار ، نظر به بیعی که ایرانیان  
را جیبی است هنوز نمیدانند که برای کار آدم  
درکار است نه برای آدم ها کار ، و بواسطه عدم  
تجربه که در کایه امور خاصه در معاملات پلنسی  
دارند بيك باد مساعد خود را واصل بنزل مقصود  
دانسته و بایک صرصر مخالف از حیات خویش مأیوس  
میگردند ، اگر چنین بود اندکی مراعات تناسب در  
وزرا می شد ، قدری کوشان می شدند که اشخاص  
حالم و فاضل را بروی کار آرند و بی در پی برای  
آدمها کار پیدا نمیکردند هرگاه به اندک باد مساعدا  
مغرور می شدند و اوضاع آتیه و عاقبت و خیمه  
مملکت را میدیدند نباید در چنین موقع نازک آوا  
اختلاف بین اعضای مدیره و هیئت کابینه بلند شو  
و این اختلاف بر سر يك کلاه جیبی بگردد

ملکیت پیچیده موث جرات و جسارت مستبدین گردد،  
 اگرچه ما فعلاً باین اغتشاشات هیچ گونه  
 اهمیت نتوانیم داد ولی از بیان یک نکته هم ناچاریم  
 که هرگاه اتحاد خالصانه در مرکز بین رجال دولت  
 و امنای ملت حاصل نشود و جداً در صدد پیدا  
 کردن آدم برای کار بر نیایند رفته رفته این انقلابات  
 کوچک بزرگ خواهند شد و کم کم بجمیع ایران سرایت  
 خواهد کرد، درست باید عور نمود و عبرت گرفت  
 که بعد از هدم مجلس مقدس فقط یک ستار خان  
 با عده قذافی برحاسته و یکی دو محله تبریز با او  
 پیش نبودند و عاقبت کار بکجا منجر گردید، پس  
 باید هر جا اغتشاشی پیش آید جداً در دفع و رفع  
 آن کوشید و نگذارد بهراکنز دیگر سرایت نماید  
 بلکه اسباب عبرت دیگران گردد و مرعوبیت مخالفین  
 را پیش سازد، و این امر صورت نه بندد جز با اتحاد  
 حقیقی رجال مرکزی ما، و این اتحاد وقتی حاصل  
 تواند گردید که رجال دولت و امنای ملت چشم  
 از اغراض شخصی بسته، منافع نوعی را بخواهند  
 باید دانست که این موقی را که همسایگان  
 ایرانیان داده اند برای امتحان است چنانچه محمد  
 علی را موقع دادد و چون در امتحان ناکامیاب  
 شد رفتار پلیدیکی شان نسبت ماو تغییر یافت  
 باید دانست که سرداران ملی و رجال بزرگی  
 که در راه مشروطیت خدمت و این نام بلند تاریخی را  
 حاصل کرده اند هرگاه درین موقع از عهده وطنی  
 مقدس خود بیرون نیایند و یا خدای نخواستہ ابراز  
 خود غرضی و خود خواهی دهند نه اینکه بقصود  
 خود نائل بخواهند آمد بلکه بدترین نام زشت را  
 برای خود در تاریخ بیادگار خواهند گذارد و چنان  
 تصور به نمایند که میتوانند بازام دیگران و باطاهر  
 داری خویشتر را بری الذمه قرار دهند، تاریخ نقاد است،  
 تاریخ آینه خیالات است، تاریخ عیب پوش نیست،  
 تاریخ اتنا بهدحهای بی جهت و ذمهای بدون سبب  
 نمی نماید، دشمنان امیر کبیر میرزا تقی خان فراهانی  
 خیلی کوشش کردند مدایح او و خیالات عالیله و برا  
 به پوشانند پوشیده نشد، خیرخواهان میرزا علی اصغر  
 خان امین السلطان خیلی سعی نمودند که بر معایب افعال  
 و مقاصد فاسده او پرده اندازند نتوانستند، این دوره  
 دوره نورايت عالم است زود تر و سریع تر کشش

حقایق و حسن وقبح کردار رجال و کسانی که در  
 کارهای عمومی دست درکار هستند خواهد نمود  
 رجال امروزه ما راست که اندکی در (بلووک  
 کتاب آبی) و (ویت بوک - کتاب سفید) که  
 وزارت خارجه انگلیس برای اطلاع اعصای پارلمان  
 انگلستان بطبع رسانده دقت نمایند که چه قدر زود  
 برده از روی کار مذبذبین برداشته و عنقریب جلد  
 سوم هم بطبع خواهد رسید و کردار و رفتار رجال  
 کنونی ما یکن یکان نبت خواهد بود و جزئیات  
 حرکات بلکه نیات آنها را خواهند نوشت و در جمیع  
 کوره ارض منتشر خواهند ساخت

امروز نمیتوان بدون وزارت خانه های منظم  
 یک مملکتی را امنیت بخشید و ترقی داد، امروز  
 نمیتوان وجود یکسوز وزیر را اعم از لایق یا نالایق  
 کافی از تشکیل وزارت خانه دانست، امروز از آن گذشته  
 است که یکسوز وزیر عقل خود را کافی از ترتیب  
 وزارت خانه و اعضای صحیح کافی بداند امروز دیگر  
 نمیتوان باسم بلا رسم قناعت کرد

اگرچه مواع کابینه را بحوبی آنگاهیم مع دالك  
 نمیتوان صرف نظر نمود که هنوز وزارت خانه های  
 ایران شخصی است نه نوعی، نمیتوانیم بگوئیم کابینه  
 مواع را از جلو خود برداشته

اگرچه میدانیم کابینه کمال سرعت را در انعقاد  
 مجلس دارد ولی مردم دارند بی قراری میکنند  
 متقین دارند مردم را مأیوس و جبال را جری  
 میسازند، از همه بالاتر کابینه کاری که موث  
 اطمینان مجلس شود ابراز نداده، و هیچ نمیتوان  
 تسلیم نمود که درین چهار ماه هر اسم و هر جهت  
 کتر از هشت ماهه دوره استبداد پول بکابینه  
 نرسیده است

هر حال امیدواریم که مجلس ملی بزودی منعقد  
 و کابینه ووکلاء دست بدست یکدیگر داده سوء ظن  
 که دارد در اهالی زیاد می شود رفع و این اغتشاشات  
 کنونی دفع گردد، ورنه بناه بخدا می بریم که دوره  
 محمد علی نجدید شود، انقلابات کنونی ایران اگر  
 عاجلاً رفع نشود ثابت بسیار ظلمانی برای ایرانیان  
 در عقب بردارد و پیش از همه طارا بسیار حیف و  
 دریغ می آید که لکه تاریخی بنام این دو سردار  
 جلیل القدر وارد شود، و اگر هیچ الزامهم بآنها  
 داده نشود ازین الزام بری نتوانند گردید که در

سورتیکه قابلیت بنای عمارت جدیدی را نداشتند  
 عمارت قدیم را خراب کردند  
 نیکو نکرانده محترمی مینویسد

هرکس مسبوق بسیاسیات و انقلابات ایران باشد  
 نیکو استنباط تواند نمود که عدم رفع اغتشاشات  
 کنونی را سبب چیست؛ بعقیده رموز داناان علت  
 العلل این اغتشاشات هانا مرجع داشتن مصادر امور  
 حسب منصب را بر حسب وطن است، در آغاز فتح  
 طهران و انجام امر محمدعلی لازم بود که سردارین  
 می مانند شوکت پاشا و سایر سرداران فاتح عثمانی  
 خویش را در منصب و وزارت مستعمل نه نمایند  
 و همیشه ورعب خود را از قلوب عامه خاصه سرخجامان  
 بیرون نهرمایند، ولی از بدبختی ایملت سیه بخت  
 مصادر امور به بنوشته جات دوستانه واقفان رموز  
 اعتنا فرمودند و نه به نکارشات علنی اخبارات، هرگاه  
 سردارین ملی قبول شغل وزارت نمی نمودند و فقط  
 هم خود را صرف نکامداری و ازدیاد قوت مشروطیت  
 میکردند با آن هیمنه و رعی که داشتند خارج از  
 امکان بود احدی بخمال سرافرازی و یایگری  
 سر بلند نماید، بدبختانه باین هم اکتفا نشده مغرضین  
 آن اتفاق حقیقی را بین مصادر امور برقرار  
 نگذارند، و این امر سبب گردید که هر یک از  
 مصادر امور در استخدام بستگان خود برای قوت  
 خویش مساعی حمله بکار برد، و بدین سبب خلل  
 در ارکان محبوب القلوب و حب الوطنی خود در نزد  
 خاص و عام فراموش کردند، و علت این که مذنبین  
 بروی کار آمده و در باطن بنای اغتشاش را گذاروند  
 همین نکته است، امروز اگر بدقت ملاحظه شود  
 دولت مستبدین دوره محمدعلی بروی کار و در کمال  
 قوت و منتظر فرصت اند، و بدسائس همان مذنبین  
 در گوشه و کنار ساعی در اضمحلال رؤسای  
 مشروطین شده و همه گونه بر قوت و اقتدار مستبدین  
 و دشمنان آنها افزودند، و بدین وسیله آن اتحاد  
 حقیقی و رابطه منوی ملی را که با هزاران خون  
 جگر برقرار آمده بود قائم نگذارند و کار را  
 بجا رسانیدند که در شهر دارالخلافه ارتجاعیون  
 بخیالات باند اوقفاده با منتهای جرئت و جسارت  
 در تقلیب اوضاع کوشیدند و بیرون دروازه طهران  
 که عبارت از کاشان و قزوین باشد اغتشاش بالا  
 گرفت و چون قطع ابادی ارتجاعیون از کار نشده  
 هنوز هم مصادر امور در هر امر خود را محتاج  
 بانها دانسته آنان نیز از هیچ گونه کار شکنی باز  
 نمی آیند و ضمناً سکوت و امنیت بحرانی را مایه  
 اطمینان جلوه داده در باطن به افساسد و اغوای

مستبدین بنای اغتشاش و انقلاب را دارند، از یکطرف  
 شکم پرستان را بدعوی حقوق برانگیخته از طرف  
 دیگر مجاهد بازی را از سر گرفته پیش تر از همه  
 از یکطرف حکام قدیمه که غالب بر سر کارند برای  
 پریشان کردن دولت بنای اغتشاش کاری و خرج  
 تراشی را گذارده از جهتی سر جنبه امان گوشه  
 و کنار را که یک مرتبه مرعوب شده بودند قوی  
 دل ساخته و آغاز باغتشاش نهاده اند، اگر بدقت  
 ملاحظه شود تمام این واقعات پیش آمده مبنی بر  
 عدم تحریر مصادر امور است که فوری بامنیت بحرانی  
 قناعت کرده نه تنها عمو عمومی دادند بلکه خدمات  
 عمده را بمستبدین و مذنبین که حامی محمدعلی یا اطل السلطان  
 بوده رجوع کرده و آنگاه هم که بر سر کار بوده  
 بهمان قسم برقرار داشتند، و اینک باندازه کار مشکل  
 شده که بعید نیست اگر چندی بدین منوال بگذرد یک  
 دنه سر رشته از دست مصادر امور و پای تخت بسکه  
 کلیه بلاد ایران بدتر از دوره محمد علی شود

عجب این است که در مدت چهار ماه هنوز  
 وزارت خانه های ما دارای یک پروگرام صحیح  
 نشده اند و در کارهای یکدیگر بدون راجع، متن  
 تصرفات غیر مشروع می شود، هنوز وزرا راه و  
 تکلیف خود را ندانستند، هنوز امتیاز فضل درکار  
 نیست و وزرا برای قوت شخصی ساعی اند که  
 هر قدر بتوانند بستگان خود را بر سر کار آرند  
 هنوز اثری از مجلس مقدس شورای ملی در میان  
 نیست، تمام این مفاسد از آن برخاسته که اتحاد حقیقی  
 بین مصادر امور نمیباشد، وزارت خانه ها اداره نشده  
 اند، وزارت مالیه اسمی بلارسم است، وزارتخانه ها مانند  
 دوره ناصرالدین شاه است، وزارت عدلیه خیلی کار

کرده (آنها در مسئله میرزا سید حسن)  
 همایکان هم در ضمن دارند کار میکنند و با  
 آن دستهای داخلی مروت مرقم که بخواهند مملکت  
 را آشوب می اندازند تا لزوم قیام قشون خود را  
 مدلل دارند

چاره امر روزی ما منحصر در چند امر است  
 (۱) انعقاد فوری مجلس ملی (۲) ترتیب  
 صحیح در اداره مالیه و تعیین کنترول که از دست  
 اندازی و تقلب مصون و محفوظ ماند (۳) اصلاح  
 اداره قشونی نه مجاهد بازی (۴) بروی کار آوردن  
 مردمان دانا مانند ناصرالملک و غیره (۵) طلب نمودن  
 مستشار های خارجی برای ادارات و وزارت خانه ها،  
 ورنه تا ده سال دیگر وزارت خانه ها و ادارات  
 اداره نخواهد شد (۶) کوتاه کردن دست مستبدین  
 و مذنبین است از کارهای دولتی

کابینه

یکی از مفاسد مملکت دولت استبدادیه و سلطنت مطلقه شخصیه مخصوص در دور قاجاریه این بود که شخصیت و استقلال را که از صفات عالیّه مردی و از ودایع بزرگ خداوندی است از وجود ایرانیان بویژه دیوانیان سلب و از بن و ریشه بری انداخت و سلاطین محض اینک خود را قادر مطلق سازند و در امواج تمایلات حیوانیه مانی نیاید هر جا مردی دارای شخصیت میدیدند از پای می انداختند و وزراء را مانند عروسک بازیجه دست و آلت پشرفت منظورات خود میداشتند و قدرت و هود را برتنه بی وجود آنها مثل جبه صدارت و حلقه حکومت می انداختند و ور میداشتند، وزیر و حاکم وقتی صاحب قدرت و مقام خود را تواست سکه داشت که مقرب (قبایه عالم) و طرف توجه (محور کره ارض) یا مورد برتو (پیر اعظم) ارواح العالمین لهالنداء بود و این حالت بمرور در دیوانیان رسوخ و سلاّ بمد نسل باولاد آنها رسید و طبیعت نابوی گردید و حسن شخصیت و استقلال از وجود آنها سپری شد و کم کم در میان تمام طبقات سرایت کرد و شیوع بهمرساید، این است همیشه به تربیت شدهگان در دوره سلطنت مستبده (اعم از تربیت یافتگان در خارجه یا داخله) وزارت و مقامی در این دوره داده میشود و ترصد اطهار و جلوه و جلالت و شخصیت از آنها میشود مثل شخصی که بعد از صرف عمری در چاه بیژن روی روشنی به بیند وحشت میکند و دیوانه وار بهر طرف برای ملجاء و پناهی میدوید و یا مانند بچه نه به (که از زیر بال) مادر بیرون آرد و در مجلس مردان بیندازد و طرف خطا بیازد زهره اش میرود و خشک میشود و اگر اندک تشددی به بیند فریاد بلند کرده اشک از دیده فرو میریزد) این وزراء هم بمجرد آنکه به بینند بک روزنامه ایرانی بر آنها وارد آورده یا در جمعی نطقی بر ضد آنها شده چون محور کره ارض منقود و نیر اعظم مستور شده نمیتوانند در حضور آنها سر بخاک نهاده از ظلمتهای روزگار شکوه نکنند تا حکم از مصدر جلال بر اعدام و انهدام آن پیر سوخته ها شود این است که مجلس و نجمنها بنام میبرند و اتصالاً ببرد مجلس مقدس ملی

شید الله ارکانه انجمن مبارکه ارفع الله اسقافه کبکی قدسیه نورالله اطرافه می گیرند از ایهم که فایده نمی بیند استغنا می دهند!

فلت وزراء از تکالیف و قدرت خود غافل از اینکه وزراء در دوره مشروطه باید خود را ارکان دولت و مملکت و محور بلتیک ایران بدادند و اعتماد شان در پیشرفت امور ملی اوقت و کفایت خود باشد و پشتیبان و اتکالشان بملت و باید سعی کنند قاید و هادی مجلس و کیتها باشند نه اینکه آردل و فراش آنها! قوه سلطنت و ملت هر مملکت در دوره مشروطیت در کابینه آن مملکت جمع است اگر اصلاحی در قوه قضایی یا بحری یا مالی یا تعلیمی یا معادنی یا تجارتنی یا روابط خارجی لازم باشد بر عهده کابینه وزراء است که اساس آنرا چیده و نقشه آن را کشیده بر پارلمان عرضه کنند و با تمام قوای خود در قبولاندن آن بکوشند، از نکته گیری روزنامهها نترسند و از صدیت مخالفین واهمه و رم نکنند و مثل سد سکندر بایستند و جواب همه را بدهند و در مجالس و پارلمان لفظها در محاسن و لروم آن اصلاح و تغییر نمایند و در پیشرفت گفته خود بهر وسیله دست بزنند، از پا نشینند تا مخالفین را مغلوب کنند و لیاقت تحصیل و قوه خود را بر عالم ثابت نماید، همین است (بلوغ الآمال فی رکوب الاهوال) نه اینکه منتظر باشند به بینند مجلس ملی یا انجمن چه اصلاحی برای مملکت مینویسد یا تکلیف میکنند تا بدون اطهار مخالفت از احدی در ضمن کشیدن قلبان اجری نمایند والا شکوه از روزگار کنند و استغفا بدهند!! این کار کار کابینه دولتی نیست این کار دسته فراش و آردل است! امروز اگر عصوی از کابینه یکی از مالک مشروطه اروپا اصلاح و تعدیلی را در امور مملکتی راجح بخود به بیند و مجلس ملی عرضه نماید اگر مخالفتی در داخل یا خارج مجلس مشاهده میکند خود و هم نظارانش عالی را بهم میزنند تا آنرا بحری دارند، مکرر دیده شده که کابینه محض اینک در اجرای اضافه که در بودجه ترتیب داده و موفق نشده همه جنگ با دولتی را در میان انداخته و کاروا از پیش برده!

دوماه قبل بود که (ول. ص. ص) صدراعظم آلمان



چون دید بارت مرکزی را در پارلمان بیچ شیوه و حیلہ کنستی توسیونی مثل سایر پارتنیا با خود همراه نمیتواند نماید و با وجود آن بارتی مسلک پلتیک خود را کامو حقه پیش میتواند به برد استعنا داد و آن همه هنگامها اداخت ( کج فهمیده نشود مقصود از بارتی بارتی پلتیکی در اصلاح امور مملکتی بقصد وطن پرستی نه بارتی فتنه و فساد برای وصول باعراض شخصی ! )

از آن طرف امروز در انگلستان محض اینکه وزیر مالیه بودجه را که ترتیب داده و اعازده ملیمان لیره علاوه بر مالیه ات بسته از پیش ببرد ( چون محافظت بزرگ از طرف مجلس اعیان و طرفداران آنها و اکثر مطبوعات می بیند ) همگان ولوله در انگلستان بل تمام اروپا انداخته ! کابینه میگوید اگر بودجه را مجلس اعیان قبول نکند مقولست ملت میشوم و اساس مجلس اعیان را از بیچ و بن میکنم و قانون اساسی را که چیز حق لا و می بمجلس اعیان داده تغییر میدهم و خود را از کار می اندازم ، ادر این است معی کابینه و مملکت داری پس باید کابینه وزرای ایران از بستن چنین اسم بخود نرم دارد ! به بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا !

( کابینه ایران )

در رفع حالت وعادات طوایت از میان وزراء که از لرومات اویده است چیزیکه فعلاً مؤثر بنظر میرسد این است **ب** وزارت با این اشخاص موجوده یا طبقه ممتازه محصر بشود و وزارت را تا درجه عمومیت دهد

اولاً باید از وزیر مختاره ایکه در خارجه زیاد مانده و آشنا بترتیب و تکلیف کابینه های خارجه هستد هر کدام قابل تر و طرف اعتماد تر و مورد تصدیق حضرت ناصرالمک است بدون قبول هیچ عذری فوراً بطهران بمحوامند و در خور حال و تربیت و معلومات هر یک وزارت بد آنها تفویض نمایند ،

و از وزرای حالیه محض هیکی و نمود بدربار دول فرستند تا بارائه و هم راهی اجزاء قابل سفارتخانها مشغول و غایب خود گردند تا درجه حشم و کوششان شاید بلند شود، و از آن طرف در

خود ایرانهم اشکاف عالم با بصیرت در امور پلتیکی **ب** دارای گله باشند از هر طبقه داخل کابینه کرده وزارت داده امتحان لیاقتی از آنها نمایند ، در صورتیکه ارکان اربنه وزارت که علم و بصیرت پلتیکی و کله و وطن پرستی در شخصی موجود شد چرا نباید وزیر شود ؟

**ب** منشاء بروز ناخوشی صدارت در میان وکلاء **ب** یکی از نتایج وخیمه بجه نه کی و بی وجودی کابینه در دوره مشرومه سابقه این شد که برای هر اداره دولت یک کیتی پارلمانی تشکیل دادند که بکار ادارات دولتی برسد و دستور العمل بورزاء بدهد، مثلاً چند نفر را **ب** معنی دیپلوماسی را از چقدر و قانون بین ملل را از خرزّه دیری باشکال میتوانستند داد و ابدأ قدم در دایره خدمت دیپلوماسی نگذاشته معین کرده بودند **ب** بامورات وزارت خارجه برسد و وزیر خارجه محض رفع مسئولیت از خود ( که یکی از زیرکهای بزرگ ایرانیان این دوره است ) بی هیچ ملاحظه شخصی و مفاسد دولتی میرفت در آن کیتی می نشست و مانند یساول منتظر میشد که از مصدر ملال چه امری صادر و از دهان بیسار **ب**های عصر چه دری و گوهری خواهد ریخت **ب** آویز گوش هوش نموده در راه حل مشکلات و رفع معضلات دولتی بکار برد ! و هنگام وزارت جنگ و غیره و غیره ! بعضی از جا صلبیهم که سودی داشتند خود را داخل آن کیتی ها کرده در لباس اجزائیت مشیر و مشار کیتی ها شده و بدین شیوه به تمام ادارات حکمرانی **ب** و در برده صدارت میکردند تا موقع جلوه و ظهور برسد ! کم کم کار بجائی رسید که جز دو سه نفر از قبیل ملا پف یوز و کربلای حق وردی کیسی در مجلس حاضر نمیشد و همه اهل کیتی و طرف اسرار شد. بودند و مشغول رتیق و فتنق امور و در پی خیالات خود ! ! آن چند نفر هم بسکه در مجلس ماندند و تنالی نشینده چرت زدند خسته شده بالاخره بفریاد آمدند ! نتایج این بی ترتیبی ها همان بود که دیدیم و شنیدیم !

خیل شنیدنی و نیت کردنی است که مبالغ کالی سالی مخارج ادارات دولتی بشود و اجزاء بکار دیده ادارات از بی کالی و بی لایق **ب** و اعضای پولیسان

مروان را (حار) از آن خواندند که دوبار انگشت خود را تجربه بخلقه در کرد و فرو ماند!

### نتیجه مقدمات

از منظور داشتن حال کابینه وزرای ایران در دوره استبداد و مشروطیت و تطبیق آن با کابینه‌های مشروط، اروپا و احتیاجاتی که در آن خصوص شد آنچه مسلم و مبرهن گردید این است که کابینه در دولت کنتی توسیونی مرکز و مظهر قدرت ملت و سلطان و امپراطور حقیقی مملکت است، ما دامیکه در سر کار است هیچ کس را حق دخل و تصرف در امور راجحه بآن نیست، هر چه را کابینه وزرا در دایره حقوق خود بعد از مشاوری بین خودشان صلاح دید خواهند کرد هر چه را ندیدند نخواهند کرد و احدی را حق دخول در دایره مشورت یا حق دستور دادن بر آنها نیست، اگر در پارلمان راجحه بآن امور از یکی از وزرا سوالی شود آن وزیر حق دارد جواب را صلاح در آن وقت نداند و ندهد، متنی حق پارلمان نکته گیری از کار وزراء است و هر وقت خیانتی بر کابینه ثابت شد و از دفاع خود عاجز آمد یا بصلت لیاقتی مایه خسارت و انتقاس کلی در مملکت شد باید استعفا بدهد و مجرم بمجازات خواهد رسید ولی مادامیکه در سر کار است قادر مطلق در دایره حقوق خود میباشد و حق دارد هر کس را که یا بدایره حقوق او بگذارد مجازات بدهد و بر سر جای خود بنشاند

اگر بنا بر این باشد که در مملکت نه سلطان مستقل و قادر مطلق باشد که بر حسب امر و اراده خود امورات را بگذراند و نه کابینه مستقلی که در دایره حقوق خود قادر مطلق باشد آن مملکت بی صاحب خواهد شد، و هر کس خواب صدارت و وزارت خواهد دید و صبح بنای حکمرانی خواهد گذاشت و کار مملکت بویران خواهد کشید!

( بر آن مملکت زار باید گریست )

( که فریاد رس را ندانند کیست )

( کرا مؤول اختلال مملکت و دشمن واقعی

ملت باید شمرد؟ )

پس چه باید کرد که مملکت را ازین

بی - امان و دولت را از خطر سلب استقلال

محفوظ داشت؟ با این اوضاع و ترتیبات موجوده فقط

عوض اینکه سعی کرده وزراء را به اصلاح ادارات خود وا دارند کار خود را گذاشته مشغول تجاری شوند و بیضه دولت را لای نخنه بگذارند!!

در پارلمان انگلیس که امروز گفتگوی تمام کره ارض در آنجا میشود پیش از چهار کیتی دائمی نیست آنها برای رسیدگی بکارهای مختلفه و هم یک از آنها حق ندارد در حین انعقاد مجلس بنشیند مگر در موقع فوق العاده و با اجازه مجلس ولی پارلمان ایران بعد موی سر رئیس مجلس کیتی داشت!! همچنین پارلمان فرانسه و آلمان که جز کیتی معدودی برای رسیدگی بامورات مختلفه آنها هر چندی یکبار فقط آلمان یک کیتی مالیه مخصوص دارد آنها از روی ترتیب و قواعد صحیح

صدارت در پرده یعنی بواسطه کیتی ها طوری در مذاق بلند پروازان لذت داده و با خیالاتشان ساخته بود که دیگر لیاقت و علم را در وزرا شرط نمی‌داستند، اصرار داشتند یکی را پیدا کنند که مطیع محض و فرمان بردار کیتی ها باشد، همان ترتیبی را که ناصرالدین شاه در سلطنت شخصیه پیش گرفته و مایه قحط رجال و ویران ایران گردید این حضراتم در لباس مشروطیت پیش نهاد خود کرده بودند. و همین مرض ذات الصدري این ایام باز در طهران بروز کرده و نظائر ترتیب مملکت خراب کیتی سابق پیش گرفته شده

### مروان حار

اختلاف و اغتشاش دومی که در اسلامبول ظهور کرد و وسیله بدست سلطان داد که دوباره بقصد استقرار قدرت خود بر آید ( و اگر رشادت و جلاوت شوکت پاشا و سایر صاحب منصبان عثمانی نبود مشروطه و پارلمان که رفته بود سهل است دولت و مملکت عثمانی هم در خطر افتاده بود ) باعث اصلی آن رفتار ناصواب کیتی اتحاد ترقی بود که زمام تمام اختیار را در دست گرفته وزراء را آلت کار خود قرار داده بود، ولی اعضای آن کیتی چون عالم بودند و وطن پرست بعد از تجربه بکلی دست از آن ترتیب مهلك کشیده و اختیار را کلاً بسپرده کابینه گذاشتند اما ما ایرانیان چون جاهلیم و خود پرست از هیچ زحمت و خطری عبرت نمی‌گیریم و بمجرد استخلاص از زحمت و وصول بفرمانت تجدید صلح میکنیم!!

يك چاره بنظر می آید آنها بسته بهمت و وطن پرستی شخصی است که بصدارت منتخب میشود و نظارت و بیداری ملت در رفتار او !

شخصی که بصدارت نامزد میشود محض حفظ استقلال ایران، محض استخلاص ایران از ویرانی، محض بقای ملت ایران، محض حفظ بیضه اسلام و هزاران محصهای دیگر، باید بر خود متحتم نماید که تمام حقوق مادی و حقوق کابینه را با نقطه آخر با تمام قوای خود حفظ نماید و نگذارد وزرا آردل و بساؤل پارلمان بشوند، حب ریاست و سند صدارت و منافع وزارت را در کعبه درستی و وطن پرستی قربانی کند و راضی نشود که برای منافع يك دو ساله مملکت شش هزار ساله خود را بر باد دهد و همه چیز همه کس را با مضام خود بخطر ابدی اندازد !

صدراعظم باید تمام وزرا را بدون ملاحظه و وسایط احدی بر وفق سلیقه و مسلک خود انتخاب نماید و در تصمیم و اجرای امورات دولتی که بر عهده کابینه سپرده شده بطوریکه در فوق ذکر شد بداخلت و مشاورت احدی از خارج تن در نهد و مادامیکه کابینه در سر کار است کابینه را در دایره حقوق خود قادر مطلق بداند ! و هر آنی که در خود قدرت و قوه اجرای این تکالیف ندید و بعد از ماسعی بجز و تصور آمد اگر و من پرست است علت عجز خود را باید با علی صوت و ابلغ وجه بمردم بگوید و بی الزور کابینه را بهم زده استعنا بدهد !

پس ای مردم ایران ای روزنامه نگاران که حارس حقوق ملتاید بنابر این مقدمات قاطعه من بعد باید شخص صدر اعظم (یا وزیر اول) منشاء و مسؤل خرابی با سعادت و آبادی مملکت بدانید دشمن خود ملت خود و همه چیز خود صدر اعظمی را بدانید که از عهده تکالیف خود نمیتواند یا نمیتواند بیاید و محض حب ریاست دست از صدارت بر ندارد و مملکت را بحال هرج و مرج بیندازد ! و اگر کسی هم که لایق صدارت باشد و قبول صدارت نماید باید ملت او را دعوت نماید که در مجمع عام مثل عدم قبول را صریح و ساده بگوید والا چنین شخصی را هم خود پرست و دشمن ملت باید شرد ای ملت ایران دوست و دشمن ایران را دولت

شخص محسم کردیم و علائم تمیز دوستی او را دشمنی بساده ترین وجهی بشنا نمودیم، حال در رصدخانه پلنیک عالم با تلسکوپهای عالم ما مراقب خواهیم بود که در تمیز دوست از دشمن و در معاملات با هر يك بر حسب سزاواری چه عقل و ذکاوتی و چه جوانمردی و جلالتی برای حفظ وطن خواهیم کرد ! اگر در آسمان ادراک و کردار شما علائم نیک دیدیم از نجات و سعادت ایران بشنا بشارتها خواهیم فرستاد و اگر نمودن بالله آناز بد مشاهده نمودیم و از این مقدار فهم و درستکاریم شما را عاری ملاحظه کردیم ما جار خواهیم بود که از خون دل و آب دیده مرکب ساخته نکبت مال و و خامت حال شما و مملکت شما را (چنانکه حال محمد علی میرزا هفت ماه قبل از وقت در همین روزنامه در مقاله احتجاجات با اعلی حضرت دادیم) بقید ثبت در آریم و شما را بر اشارت و بدبختی های آتیه میباید و مخبر سازیم

ای نور چشم من بجز از کشته ندروی

(قرا)

تلفگراف حصرات آیات الله بجه اشرف  
(بجمیع ولایات)

نمره ۲۱ توسط مجلس محترم عالی - سائر بلاد توسط المحمهای ایالتی و ولایتی - عموم سرداران عظام واردوهای ملی بلاد محروسه ایران را سلام میرسانیم انشاء الله تعالی خدمت آن برادران گرامی بوطن و دین مبین مقبول و ماسعی جمیله در اعلاء کلمه مشروطیت اسلامی مشکور باد، چون بدیهی است تمام این مخاطرات برای استحکام اساس مملکت و قلع بنیان استبداد بوده است باید خود آن برادران محترم کابینتی در عمل خود باین مقال مترنم باشند، که از قوانین سرموئی تخلف نکنند، اعمال خود را مصدق اقوال قرار دهند، ابدأ متعرض احدی نشوند نفوس را از اعتراض خودی و بیگانه حفظ و دیناری برخلاف قانون باسم اطانه یا غیر آن از کسی نخواهند، از جرعه گرفتن و سائر اعمال استبدادی بکلی تهرز نمایند، فعلاً چون بمحذاتة تعالی قوای مملکت متحد و دولت و ملت عین یکدیگرند استقلال اداره کبینه های مجامعین موجب اختلافی که وعدم انشاء مملکت هر چه در محضت، انشاء تمام آردوهای

ملی و افراد مجاهدین ریاست وزارت جنگ و دلخواهانه رفتار کردن و باسم اعانه جریحه از مردم گرفتن و نحو ذلك اجابت اضرار استبداد ملعون سابق و دشمنی بدین و وطن اسلامی است و بر عموم مسلمانان واجبست تخلف نمایند انشاءالله تعالی  
محمد کاظم الخراسانی  
عبدالله المازندرانی

### حبل الذین

این است فرمان واجب الاذمان حضرات آیات الله که هرکس تمرد از منطوقه آن نماید پای خود را از دائره اسلامیت بیرون نهد افسوس که مشاهده می شود مجاهد نمایان نام بلند مجاهدین حقیقی را دارند پست می نمایند، بجهت باید پای خود را از جاده عدالت بیرون گذارد، بجهت باید پیرامون منافع شخصی گردد، هرکس که نام خود را مجاهد نهاد واجب الاحترام نمی شود

( هزار نکته باریک تر ز مو انجاست )

( نه هر که سر نترسد قلندری داند )

اولین جهاد مجاهد باید با نفس خود باشد نه ادب و آزار بیگناهان بهوای نفس خویش، قلم مارا یارای شرح افعال و کردار بعضی مجاهدین مصنوعی نماید چه بسیار مشروطه خواهان را که حرکات ناپسندیده برخی مجاهد نمایان از جاده مشروطیت منحرف ساخت، اگر درست ملاحظه شود مجلس خراب نگردید مگر از کردار برخی مجاهد نمایان، مردم منحرف از مشروطیت نگردیدند مگر از مجاهد بازی برخی لایابالایان. ما کار بحرکات مجاهدین دروغین در دوره اول نداریم، درست اگر دقت شود غالب انقلابات این دو سه ماهه را همین ها باعث بوده اند، واقعه کهنونی اردبیل را علت العلل همین مجاهدین دروغین بوده اند، حادثات زنجان را علتی جز مجاهد بازی نبوده است، سید جبل و یگانه غیور وطن خواه شریف زاده شیرید همین گونه مجاهدین بدرجه رفیع شهادت رسانیدند، بتازگی از جوی نوشته اند که حاجی علی اصغر تاجر و دیگری از اعضای انجمن را که حامی حکومت محتمم السلطنه بودند در خلع انجمن مجاهد نمایان هدف کوله نموده اند و حال آنکه این مرد از آغاز مشروطیت تا کنون جز خدمت ملت کاری نداشته، آیا مجاهد این

مجاهدین دروغین این مرد عزیز را هدف کوله نموده اند اگر مسلمانند که این حرکت تباین با اسلام دارد، اگر وطن خوانند که منافی با وطن خواهی است، اگر دولت پرستند که مخالف بادوات پرستی است، پس این حرکات مبنی بر چیست؟ مبنی بر نامسلمان - مبنی بر وحشیگری - مبنی بر خودخواهی و هواپرستی است، محتمم السلطنه خوب یا بد لایق یا قابل، هر که هیئت وزرا و ایالت جلیده بحکومت انتخابش کردند حق اعتراض ندارند نهایت معلومات خود را باید خیر خواهانه بمرکز تبلیغ نمایند، مجاهد بازی و دروغی دارد مملکت را بجانب يك مهربکه عظیم دوچار می سازد، مقام منبع ریاست روحانی راست که وکلای ملت و امنای دولت را تأیید و تکمیل فرمایند که جداً جلوگیری ازین بازیها نمایند ورنه (چه برگشت نتوان گذشتن به پیل)

امروز دولت ایران سلطنت ملی است ابدأ تبانی حتی در اسم هم بین ملت و دولت باقی نمانده است، این حرکات جز اینکه نفاق بین ملت و دولت اندازد نتیجه دیگری نخواهد بخشید، مجاهدی که دست خود را بخون بیگناهان بیالاید، مجاهدی که خلل در امنیت مملکت اندازد، مجاهدی که اغراض شخصی را بر اغراض نوعی ترجیح دهد، مجاهدی که همش در جلب منافع شخصی باشد، وجودش در ملک و ملت حکم میکروپ ماعونی را دارد، وضع این گونه مجاهدین پسندیده هیچ قوم نیست، اهم مقاصد ملت دفع این گونه مجاهدین دروغین باید باشد، اینک که آغاز امر است اگر جلوگیری نشود در آینده دوچار بسی مشکلات عظیمه خواهیم گردید، وضع اغتشاشات ایران خوش به نظر نمی آید و اندک اندک بین شده خوف آن است که تمام مملکت سرایت کند هر چیز ابتدا کوچک است رفته رفته بزرگ می شود از جلوگیری مجاهدین دروغین رفع بسیاری انقلابات تواند شد

روزگرم روزانه اعلیحضرت شاهنشاهی  
تزیین تحصیلات بندگن اعلیحضرت اقدس شهرباری  
خداقده ملکه را که استشار فرموده بودید اطلاعاً  
زحمت میده که پس از تشریف فرمائی موب  
مبارک از سلطنت آباد بشهر پروگرامی در تقسیم  
اموات اعلیحضرت و تزیین تحصیل نماید،

وزارت دربار تهیه شده بود اینک سوادى از آن  
لفاً برای اطلاع حاضر شریف ارسال شد که اگر  
رأى عالی تصویب فرماید دو نامه مقدسه درج  
فرماید ریده زحمت نمیدهد

( موائى الدوله )

سرور و وزارت تحصیل و تسمیه اوقات بدین  
( اعلی حضرت اقدس شریاری ارواحنا مداه )  
بیچ ساعت سررسیده اردوون تشریف فرمای  
مردون میشود بیچ ساعت وقت خود را مصروف به  
گردش و بدرای شرف اندوزی چاکران خواهند  
فرمود

چهار ساعت و نیم بسر مانده باصافی دزس  
نزول احلال و مشغول تحصیل خواهند بود

بدواً تیمناً در حضور جناب ملامانی مشغول  
تلاوت و ریارت قرآن مجید شده در ضمن قرائت  
بعضی صیغ مشکله ( از قبیل استر تن و صارب )  
و ترکیب آیت مبارکه ( از قبیل یوسف اعرض  
عن هذا و استغری لدیبك ) و جناب حاجی ملا  
بانی القا و شان نزول پاره از آیات را بصور اختصار  
بیان خواهند نمود ، پس از آن بقدر لزوم مسائل  
تکلیفیه فروعیه را خواهند آموخت

بعد از آن حاضر مبارک را برای اصفا و فرا  
گرفتن دروس ادبیات از فارسی و نحو و صرف  
بطوری که جناب حاجی ملابانی صلاح بداد و ترتیب  
بدهد حاضر خواهند فرمود

دو ساعت بطهر مانده تعطیل و یکساعت تنفس  
و راحت خواهند داشت

یکساعت بطهر مانده تکرار درسهای خود را  
فرموده تا موقع طهر باهار را در بیرون میل فرموده  
برای استراحت تشریف فرمای اردوون خواهند شد  
دو ساعت بعد از طهر تشریف فرمای بیرون  
و از قرار پروگرام جناب ذکاء الملک تا چهار ساعت  
بعد از طهر مشغول تحصیل زبان فرانسه و علوم  
جدیده خواهند شد ، پس از آن نیم ساعت تنفس  
فرموده چهار ساعت و نیم بعد از طهر بتعلیم  
عمادالکتاب مشغول ( مشق از قبیل آنکه دائره  
نون باید سه نقطه و از میم لام اخراج کنند ) و  
بیچ و نیم بعد از طهر تعطیل میفرمایند  
یکساعت از شب گذشته پس از ادای فریض

مشغول مشق جلی و دیبکه دروس روز شده دو  
ساعت وقت مبارک را صرف این کار و سه ساعت  
از شب گذشته راحت میفرمایند روز های جمعه که  
تعطیل است سواری خواهند فرمود

این پروگرام تا اواسط فصل میزان معمول  
خواهد بود ، در اول میزان بواسطه کوتاهی روز  
ساعات تحصیل تغییر کرده پروگرام دربار تهیه  
خواهد شد ( وزارت دربار اعلم )

مکتوب عباسی

( واقعات این صفحات )

بموجب خبر وارده این پست حکومت لارستان  
وارد قریه ( حویم ) که ۱۲ فرسنگی لار میباشد  
شده و جهت نظم آن اطراف جار بیج بوه توقف  
خواهد نمود ، از قرار مسموع چند نفر از علما  
و طلاب علم نیز بصحبت حکومت وارد شده اند  
گویا حجه حرکت دادن جناب مستطاب آقا سید  
عبدالحسن باشد و یا بحجه تحقیق و تفتیش امور ،  
جناب سید نیز اجازه مرخصی باتباع و تفنگچی ها  
از لار داده ایشان نیز روانه شده اند ، مقصود ایسکه  
در ورود حکومت کسی در لار نباشد و خود جناب  
سید هم کسالت داشته اند

( بستک ) اشرار پس از توقف ۲۱ یوم در  
بستک و عارت کوهچ و حرق کتب دینی و تهیب  
اموال بستک ۴۰۰ هر شتر کرایه و ۱۰۰ نفر  
شتر اهالی ( دشتی ) از توابع لار که بغارت برده  
بودند تمام هستی و اموال را حمل و روانه منزل خود  
شده اند ، ظاهراً بعد از رفتن ایشان محمد تقی حان  
صواله الملك مراجعت به بستک نموده است

( بندرعباس ) از اموال مسروقه ایسکه در قبل  
عرض شده چیزی بدست نیامده است و سارق از  
میدان رفته ولی سوار و تفنگچی که عقب اموال  
رفته اند اسباب غارت و اذیت و آزار اهالی بیچاره  
دهات توابع عباسی شده اند ، ماشاءالله عجب حالی  
است ، حال دزد برده را نمی توانند دریافت نمایند ولی  
در غارت رعیت جلاک اند

( سیرجان ) از گندم های املاک وقف برده بودند  
مردم طارش شده چند نفر از کلانتران و مأمورین  
حجه دریافت گندم و برده بنده منزل می باشند ، لذا  
بچندان خوفی نیست

پس از ورود جناب قوام‌الملک بفرمانجان مأمورین اشرا از سیرجان خارج شدند، هر چند ایام بی افشار بایر اطاعت از اوامر انرار داشتند اما چون کوه قوامانک به کرمان وارد شده دارا انبار اطاعت میباید تا بند چه شود. بوجب خبر بعد که رسیده ایل بی افشار اطاعت از اوامر ایالت کرمان ندارد و دور نیست کار منجر بجنگ وجدال شود.

قافله الاعی محال سیرجان که تقریباً (۱۲۰۰) واس الاع بوده مال التجاره از قبیل غالی و تریاک و پسته و بادام و محلوج و غیره حمل و عازم عباسی شده. در منزل (ده سرد) از توابع کرمان در حال اقطاع قافله را دزد زده آنچه الاع بوده مع غالی و تریاک و جزئی پسته بغارت برده اند مابقی بارها را مکاری لا علاج در اوطاقی گذاشته عقب دزد رفته تقریباً ۲۰۰ واس الاع مفلوک که ولداند برگردانیده و خیر سیرجان بصاحبان اموال داده که سر وقت مال خودشان بیایند.

#### ترجمه از اخبار پانیر

وقایع نکار پانیر در خصوص سلطنت جدید ایران مینویسد. ابق سیاست طهران روشن و اینوقت شیراز خیلی محل توجه است، بموجب خبریکه از شیراز رسیده با منتهای تیزی جمیع ادارات درکار اصلاح دائر شدند، بر حسب خبر تازه که از شیراز رسیده فتمرالذوله را که پسر کوچک قوام است سهام الدوله والی جدید گرفتار نموده و روانه طهران کرده است (تصدیق این خبر رسماً با نرسیده) از اخبار تبریز ظاهراً می شود که اهالی در نهایت فلاکت اند و هزارها بی خانمان شده و قحط نیز ساری است، شهر یک تل خاک شده مصیبت و فلاکت اینام و ارامل از احاطه تحریر بیرون است متمولین سایر بلاد ابدأ توجه بحال آن بیچارگان نمی نمایند، تدارک می شود که دفتر اعانه برای آنها باز شود

#### حبل‌المتین

چرا دل نسوزد بر بی حسی ملت که جراید خارجه مصیبت محسن زادگان مشروطیت ایران را باین سوز و گداز مینویسند و هیچ گونه اثری بر قلوب سخت ارباب پسر ما نمی نمایند حال امروزه

تبریز دید است نه گفته، در طریق محبوب ایرانیان امرای آنها اسیر، انباشان فقیر، نهارشان ره دیر گردیدند، تصور باید کرد که فترت آنها چه حال دارند. عروسان شوهر کشته خاک سیاه نشسته اند، ارامل و اینام مجامعین روبکه آرند. بالای تبریز نام بوده. خیرین و ارباب فیض که دستبری بقرا و ارامل و اینام می نمودند خود محتاج و فقیر اند امروز نمیتوان از ارباب پسر تبریز توقع نمود که اینام و ارامل شهدای حریت را برستاری نمایند، زیرا علاوه بر اینکه انبای شهر خود فقیر شده اند (کشته از بسکه فزون است کفن نتوان کرد)

امروز در شهر تبریز کتبخانه است که ماتم زده و مصیبت رسیده باشد. اگر صد نفر ارباب پسر داشته باشد هزار نفر فقیر و بینوا موجود است، آیا رواست که سار ایرانیان مانند مشروطیت بدون زحمت و خساره مالی و جانی هم آغوش شوند و شهزادگان طریق حریت که در طریق مشروطیت از مال و جان و آل و اولاد گذشته باین حال فلاکت بلکه هلاکت بسر برند آیا سزاوار است که خون بهای شهدای راه حریت در بدری عبال بی خانمانی اولاد گرسنگی گدا و دلت و خواری نصیب شان شود؟ چقدر قسمی اقلب خواهیم بود ما که این حال ارامل و اینام را بشنویم و آرام بگیریم! تا چه اندازه بی مروت و بی حیت خواهیم بود که به بنیم شهزادگان راه حریت ویلان و سرگردان بیکس و بی مونس در کوچه و بازار به بریشانی و بی سامانی دوچار اند و هیچ گونه توجهی در حق آنها نه نمایم!

ای ایرانیان خارجه و داخله بوجدان انسانیت سوخته ملل متمده بزرگترین عیوب بی حسی و ناقصی ما همین عدم همدردی با باز ماندگان طریق حریت است و بالاترین ننگ های تاریخی این دوره جدید ایران همین عدم همدردی نکارش خواهد یافت، در اعانه ارامل و اینام شهدای تبریز هم حقوق آلی را پرداخته و هم نام نیک از خود بیادگار نهاده ایم، ارباب دینت ارباب غیرت ارباب همت و حیت راست که اندک نظر توجهی بر این بیچارگان فرمایند نگذارند امروز کوه آغاز دوره راحت ملت است ابتدای ماتم آن و اینست زادگان حریت شناخته آید، چه قدر مایه افتخار ملی خواهد بود

که ایرانیان خارجه و تبحار محترم و ارباب يسار خارجه درین اعانه بذل همت و توجه نموده سرمشق به کم حسان داخه دهند. عییا بجه ملاحظه انجمن های ملی ایرانیان خارجه در این موضوع خاموشی اختیار کرده اند. ما چون بخوبی از اوضاع تبریز و بیچارگی ارامل و اینام شهدای آذربایجان واقفیم استیناف بجزاید فارسی خارجه و انجمن های ملی می نمایم که نظر توجیهی در جمع نمودن اعانه برای این فلك زدگان به نمایند و شتاب کنند به رحمت و مغفرت

مکتوب شهری

( اعانه اینام و ارامل تبریز )

جانفشیهای ادالی تبریز در اینای مشروطیت بر احدی پوشیده نیست و اعانه به بازماندگان شهدا بر هر ذی حسی از اولاد ایران خاصه، و عامه مسلمانان از متحتمات است، لذا درین موقع که مجدداً روزنامه مقدس در تشویق اعانه ملت را متوجه می سازد یکصد و پنجاه رویه بنده و یک صد و پنجاه رویه نیز نوابه علیه برسم اعانه تقدیم می نمایم ( نصیر الممالک )

جل القین

ما بوکالت بازماندگان شهدای تبریز از جناب نواب نصیر الممالک حاجی میرزا شجاعت علیخان قونسل کلکته و قائم مقام جنرل قونسلگری کل هندوستان و نوابه علیه شهر بابو بیگم زوجه محترمه ایشان تشکر می نمایم و اطلاع میدهم که دفتر اعانه در تبحارخانه جناب حاجی میرزا مهدی و اولاده تاجران اصفهان در نهم ۱۵ عذرا استریت باز، وجه اعانه را بدامجا رسانیده قبض دریافت دارید

مکتوب از کرمان

در تمام ایران يك مدرسه صحیح نیست، معلم نیست، راه آهن نیست، مردم ایران از هزار نفر یک نفر سواد فارسی ندارد، بخارجه مسافرت نکرده، از اوضاع عالم واقف نمی باشند، روزنامه نمی خوانند، روزنامه مامنحصر بود بروزنامه ایران قدیم که يك تملق نامه مملو از دروغ های بن آنهم چهار نفر از خود حکام و اجزای آنها میدیدند، از آن طرف فشار ظلم دولتیان از حکام و عمال تا کدخدا و پاکار، از طرفی ظلم و بی رحمی بعضی ملا نمایان رایشی معاونین حکام که در این دوسه بقدر مقدور علمیات را ظاهر کردند، از همه بالاتر در این اواخر بعضی وزرای

خان که خداوند آنها را معذب داشته مکافات فرماید با آن همه تمول و ثروت که از ایران میبردند معلوم نیست چرا این همه سی در زوال و انقراض ایران داشته میخواستند در مدت کمی ایران را بتصرف اجانب داده بباره ملیت ایران را برباد دهند، خدا میداند جز خبیثات فطرت دیگر سببی دیده و فهمیده نمی شود، در صورتیکه خود را از شدت ظلم و استبداد دارای کرور کرور ثروت نموده دیگر این قرضه شوم و دادن امتیازات وطن کشش و بردن آزادی وطن و استیلای این شولان خارجه را چرا راضی شدند که امروز در داخه وطن مابدون هیچ حق و هیچ قانون سوای همان فـوذی که وطن فروشان بآنها داده باید قشون خود را آورده باعث قتل نفوس برادران ما کردند

بالاخره خداوند حضرت مستطاب حجه الاسلام رئیس المله آقای آخوند ملا کاظم خراسانی اروا حنا فداء و حضرت حجه الاسلام آقا شیخ عبدالله مازندارانی و بعضی حجج اسلام را که هنوز نام مبارک آنها معلوم نگارنده نیست بر اندیخت که چون چشم آن بزرگواران معطوف باوضاع ظالم است و با چشم حق بن مشاهده فرمودند که امروز ایران بحالت نزع است و علاج منحصراً با اتفاق ملت و تحصیل علوم جدیده که از احتیاج خارجه نجات یابیم و سی نمایم آنها را محتاج بخود نمایم و راه این تدبیر منحصراًست بمجلس شورای ملی و انجمن های ولایتی که مردم عاقل عالم بطول جدیده سیاسی دان متدین انتخاب نموده شب و روز کار نمایند و از دولت های روی زمین سرمشق گرفته ره چنان روند که ره روان رفته، بزودی مدرسه های جدید باز نمایند، معلم بیاورند از ممالک بی غرض و بی طرف تمام ادوات را نظم نمایند بعد از پنج یا ده سال لامحاله يك کرور آدم دانا در خود ایران فراهم آمده انبار را جواب بگویند شهرها آباد و راهها نزدیک شود کار خانها برپا شود معادن زرخیز مکشوف گردد، ایرانی ها که از فشار ظلم فرار کردند برگردند، دین و اسلام رونق آن زیاد شده علما نمایان ما بعوض رشوه ستانی و خوردن اوقاف مشغول ترویج مذهب گشته بر تمام ظلم ثابت نمایند که دین اسلام همین تمدن و تهذیب است تا انجا که آن مدافعه نظام ما است

ما از این خرابی ها نجات یابیم، انجمن ملیه علمای اعلام برپا شود، علما مامورین باطراف عالم بفرستند باده عقلی سایر مذہب داخله و خارجه را راغب بدین خود نمایند، برای قضاوت قضاء مجتهد موظف عادل معین نمایند، دزد های شریعتی که بزور چاق سر هر کویچه محکمه قضا باز کرده احکام بغیر ما انزل الله جاری کرده به اعانت ظلمه احکام خود را اجری میدارند ممنوع نمایند

لاکن چون طبقه مفت خور بی دین چه از روسای دولت چه از رؤسای ملت دیدند اگر این مشروطه صورت گرفت باب مداخل آنها مسدود شده باید بیکار کردند یا حاکمی که دوست هزار تومان غارت می کند حالا شش هزار تومان مواجب قناعت نماید، عنوان های عجیب و غریب آغاز کرده بهانه دین را پیش کشیده عوام الناس جاهل را فریب داده، اشرار را مطلق العنان کرده چه اشخاص جاهل مفرض را در انجمن ها اجاب نموده نتیجه آن معلوم شد که صد کرور هزار کرور ثروت مردم به باد رفت یک کرور خوس تلف شد تا مجدد از همت حجج اسلام و غیرت بعضی بزرگان ایلات و پاداری اهالی تبریز مجدد ایران صاحب مشروطه شد لکن تکلیف حجج اسلام همین بود که بجای آوردند، بوجد کاینات قسم که اگر کسی جنم او باز باشد و بتدر زره درد دین و وطن پرستی داشته باشد باید این علمای بزرگوار را اول حای و اول مجدد حیات اسلام و ایمان را بدان بداند، به یادگار این خوس مقدسه بنا های بزرگ بسازند، آنها نایب امام میباشند، تتلید آن بزرگواران واجب، دعای وجود آنها بر هر مسلمان لازم است هر کس اعتقادش و رای این باشد البته در نقطه او خلل و دشمن اسلام و دین شیعه و حای کثر و اتحاد است

اکنون تکلیف ما چه میباشد؟ دولت مشروطه یا مستقله یا جمهوری ابتدا مدخلیق بدین ندارد ملت ژاپون بودا مذہب یا بت پرست میباشند مشروطه است، در اروپا دولت انگلیس مشروطه و نصاری میباشند، عثمانی مسلمان مشروطه است، مشروطه جلوگیری ظلم و پابند قانون بودن است، ترقی ممالک چه مدخلیت بمذہب دارد، این ایرادات را بی دین های بی ناموس در افواه انداخته که ایران را به باد دهند، امروز اگر بنا

باشد باز ماها گرفتار همین گفتگوها و اتقاء شباهت باشیم دیگر باید فاتحه ایران را خواند، بی یک طایفه جدیدی در ایران هست که از شدت عداوت بعلماء اعلام میل دارند خارجه، ممالک ایران باشد که با نهایت آزادی مزخرفات خود را بگویند، زیرا که مردم ایران را خوب شناخته اند هر، جاهل زود باور میباشند حرف تازه را قبول کرده دوست میدارند فوراً هر صاحب دایه را ساجد شده خدا و پیغمبر و امام میخوانند و توهین بمذہب خود می نمایند و طالب آزادی مطلقه میباشند خیال آنها بشرفتن دارد حاصل همه عرایض این است که باید بنسب و تجربیات ایام گذشته کارها را بر وفق صحیح بر مجرای خود جاری کرد مجلس شورای ملی باید مرکب باشد از اشخاص عالم سیاسی دان محالماً که مشکل است یافت شود، این وکلای سببها ابتدا فایده ندارد باید از خارجه از ایرانی های تربیت یافته جلب نمود برای ادارات، اگر با باشد در امورات مذهبی گفتگوئی نباید بهتر این است که مجلسی جدا گانه تشکیل دهند که بعضی امورات واجبه بمذہب را در آن مجلس تشکیل فرمایند، در مجلس شورای ملی اشخاص بدون علم مایه هرارجور خرابی اند هر قدر در ایران ممکن است باید انتخاب نمود و اشخاص عالم از خارجه لازم است حتی در مجلس باشند که واقعاً معلم باشند، امروز سیاسی ایران خیلی در محاطره است ممالک خطیطه اعضاء شوری کار ایران تباه است، اول باید تمام وکلا جد و جهد نمایند اتفاق عمومی پیدا گردد فحاشی و بد گوئی از مستبد یا مشروطه خواه را موقوف نمایند که جز تولید فتنه و فساد نمی دارند اگر مجلس شورای ملی و انجمن های ایالتی و ولایتی و عدلیه و سایر ادارات ما صحیح گردید استبداد قهرراً تمام شد و مستبد نیست خواهد شد، حکم پشه و باد را دارد، امروز دیگر عذرهای غیر موجه از وزرای ایران مسموع نیست خود آنها باید مستخدم از خارجه بی غرض بخواهند بقل خود و فکرهای بی علم ممکن نیست کاری ساختن گردد، هر یک از وطن پرستان باید آنچه میدانند در ترقی وطن اتساع دهند این بنده ناچیز محض خدمت بوطن بقل ناقص خود تجربیات چندین ساله را که از مسافرت و



معانرت ایران درجه تحصیل نوده عرض میکنم  
 هرچه را منور داد اخذ و از رد درماید در همه  
 کرس و بزرگ و بدون تعارف بدو در آدم نیست  
 که اولاً سرس نایا جرافای کرمان و بلوچستان  
 را ( و از روی روزنامه‌جات جمع کرده باشد )  
 بدد و از ترس را نیداسد مقصود وکالت را تی  
 فهمد پس از قدام و از اما ادا خود را داخل  
 ما مح و فیه نیشرماید زیاده بر این جسارت نیکم  
 در هر نقطه از شهر ودعات یکتر معدودی را  
 جمع کرده قوه احداث نموده مقاصد خود را زدن  
 و بستش میرند کاش ملو الطوایب بود امراض  
 هرار برابر شده آن قدر تلگرافات سیر واقع در  
 کار است که واقع نیز امنیت ندارد . بی علی‌الجاه  
 از مامورین جدید رئیس پست خانه کرمان شوکت  
 اوزاره شخصی ما علم زبان دان وارد شده که  
 جداً مشغول اصلاح پست میباشد و مرا جز حق گوئی  
 و قلم جاری نمی شود تا جرم بد را بد خوب را  
 خوب بنویسم که اسباب تشویق سایرین باشد

پست خانه بواسطه عدم امنیت طرور دخل داشت  
 لذا رئیس سابق متجاوز از هزار و پانصد تومان یا  
 زیاده تر بهر کس عوض پول داده ده یک قیفه را کسر  
 کرده رئیس جدید که وارد شده لامحاله تا چند ماه  
 هرچه خلوط می رسد با تراس از ایجه از طهران  
 وجه خواسته و در مدت یکمپنقه با برایت وطن برستی  
 و ماموریت دولت منروطه پست را عجمه با قاصد منظم  
 کرده عما قریب هرار درجه از شهر از مامورین  
 مسیونوز منضم خواهد کرد . مواجب کار دارد رشوه  
 بمخواهد خداوند همه مامورین را توفیق کرامت  
 فرماید . رئیس تلگراف بشیرخان چون طمع حکومت  
 داشت در خط عرضی سیر میکرد معزول شده  
 میرزا حسن خان نام رئیس شده شخص با دیانت  
 و بی عرض درست کاری است مردم آسوده شدند  
 علی‌الجاه این دو رشته بزرگ از اعراض مبری  
 میباشد . تا بحال نه اطمینان به پستخانه بود نه  
 بظدرافخانه که رئیس آن نایب‌الحکومه موقی صاحب  
 اختیار بود عنوان منروطه را گناه بزرگی بهانه  
 کرده بیست هزار تومان دخل برده حالاً هم  
 متصل بهمدستی مستبدین شهری خدمت نظام السلطه و  
 سایر وزرای دربار دولت تلگرافات می نمود که

نایب‌الحکومه گردد . شرتن دارد که عزل شده  
 لاک هنوز بکسی خبرندادند شاید از سیم انگلیس  
 خبر رسیده است که عزل است . انجمن ایاتی را  
 هم مشارایه باعث شده بی میلی مستبدین را تلگراف  
 کرده توقیف کردند و حال آنکه اعلی‌الجاه  
 و محرم بودند دیدند هنوز بای اشتباه کاری در میان  
 است اعضاء آن نیز تنبیه دانسته خود را از زحمت  
 بجان و صرف وقت و خرج انجمن آسوده کردند  
 علی‌الجاه حسابی نیست هر کس ده نفر قوه بجهت خود  
 تشکیل داده هر روز یکدیگر را پاره می کنند  
 مضرورین بش برآمده چون عدایه نیست ملاذی نیست  
 خاموش شده از حقوق خود چشم می پوشند تا چه  
 کند همت و آلاهی مامورین آتی دولت

امروز باید اول مایه ایران را مرتب کرد  
 اول حساب دو ساله حکام و ضباط را معین نموده  
 هر چه نزد هر کس است خواه مالیات خواه تاراج  
 اخذ نمایند دویم حقوق و مالیات امسال را بقانون  
 اعتدال بگیرد بوزارت مایه جمع گذارند بعد از آن  
 بواسطه معلم بانک ملی فوراً تشکیل داده از عموم  
 مردم ایران سوای قراء نفری چهار تومان بعنوان  
 قرض ده ساله برای اصلاح اخذ نمایند یکی یکقران  
 بدهد یکی ندارد یکتومان یکی صدتومان یکی هرار  
 تومان به تفاوت پول آنها صد کرور جمع نموده در  
 بانک ملی ره رئیس و معلم آن از خارجه باشد یا از  
 قازسی ها باشد بگذارند مالیات و ماخوذ دو ساله  
 حکام وضباط را بر آن بیفزایند که مشغول کار  
 باشند

سوم قشون ایران را بقدر لزوم بدون جبر و  
 اکراه هر قدر لازم است معین نموده تمام صاحب  
 منصبان را وزیر جنگ ملاحظه و تصویب فرماید که  
 رزمی باشند نه آنکه بزی ، مشغول مشق شده  
 ماه بجاه حیره و مواجب دهند تا موقع قشون ملی و  
 رفتن عموم اهالی تحت اسلحه برسد

چهارم مکاتب اجباری در تمام شهر و قصبات  
 دایر نمایند معلم از خارجه اجیر کنند و از شاگردان  
 سابق ایران . هموم شهرها و قصبات حتی بلوچستان  
 مامور نمایند که معلمی بکنند . اطلب علم صنایع بیاموزند  
 پنجم عدلیه بهیچ بلعلم دایر نمایند اول به یکی  
 دو حجره قنات نمایند که خرج زیاد نباشد

( انظر الى ما ذل ولا تنظر الى من قال )

(۱) شرف اسان با علم است و هنر  
(۲) کسی که بی علم و هنر باشد اندان شده  
نمیشود بلکه حیره و حس دو پای است قانع  
بخورد و خواب

(۳) رستگاری دنیا و آخرت با علم و هنر است  
(۴) علم است که ما را دلالت بر معرفت هدای  
واحد و قادر و رسولان آن و انعمه هدای عظیم  
السلام و محسنات مذهبی مینماید

(۵) بی علمی او این سبب خدا شناسی و بد عقیده کی  
و دروغ گوئی و دزدی و خیانت و عتک بحرامی و  
کفران نعمت و بی تمیزی و زود باوری و هم قسم  
تقلبات و همه گونه نجات و مذلات بوده اسان را  
در نزد خدا و رسولش و بل بندگان او سرفکننده  
و خجل و در دنیا و عقبی خوار و ذلیل مینماید

(۶) بیکاری و ویل گردی و مقامری و اعصمتی  
و میخوارک و اوادی و تلبات و افیون و حبش  
کشی همه از نتایج منحوسه بی علمی میباشد

(۷) اگر علم میداشتم رحال و اولیای امور ما  
هر هر نقطه و موردی اشخاص با علم و دیپلمات  
و سیاسی دان بوده و در چنان موقع باریکی بعضی  
رجال بی تدبیر و اشخاص معامرا مأمور به تصدیه شهر  
تبریز نمیزمودند

(۸) از بی علمی است که مدارس و دارالفتوهای  
علمی و طی و نظای داشته و در ملک اشخاص  
با علم و اطبای کامل و حافظ و صاحب منصبان علم و  
بصیر کیاب بوده و اگر هم باشند در تحت الشماع  
یعلمان در گوشه و کنار می سوزند و می سازند و  
دست تحریر و تألیف بهم می ساینند

(۹) علم است که وحشیان چهار صد سال قبل  
پسکی دنیا را به متری درجه ترقی رسانیده که از  
ایلب نقاط کره ارض برای کسب کالات و تحصیل  
صنایع و علوم بآنجا میروند

(۱۰) بی علمی است که در همه لوازمات دنیوی  
حق تا کفن اموات و کاشت قرآن ما را محتاج  
بخارجیه نموده !!!

(۱۱) از بی هنری و بی علمی است که متمولین  
در جهل و نادانی هر آنچه در اختیارشان

مردمان سیویزیره خوار و ذلیل و مکروه گشته اند ،  
حتی در نزد خدا و رسولش، چنانکه اگر علم  
میداشتند عوض زیاد کردن دعوات و تجارت ارزاق  
بر تشکیل شرکتهای مهیده و تأسیس کارخانجات  
اسان سازی یعنی مدارس علمی و صنایع و ترقی  
امتیاز کشت معادن و تصایح برق و کشیدن  
راهها و تراموا آوردن انواع کارخانجات و احداث  
جایهای ارزین اقدام نموده هم خودشان آن ده  
مقابل احتیاجات داخل نموده ، هم اسباب آبادی  
عمالت و تجارت داخله می شدند یا اینکه لا اقل  
در عمل زراعت و آبادی ده ات خود کوشیده  
اسباب مختلفه برای تسهیل اعمال و راحت آوردن در  
فکر ترقی دادن و ترویج انواع دیگر زراعت  
میافزادند

(۱۲) از بی علمی است که تعداد نفوس ما چنانکه  
باید زیاد نشده بلکه بحسب متداسب تزیاد نفوس  
ممالک دیگر رو به تناقص گذاشته و عمل زراعت تا  
در حالت وقوف مانده و تجارت داخله ما عوض  
ترقی و انتشار توسط تلبات و مغشوشی رفته رفته  
کاست و منسوخ میگردد

(۱۳) اگر علم میداشتم در مکتب خانه ها  
عوض کتب ابتدائیه ، برای تربیت و تخریب  
اطفال در علوم و فنون و صنایع لازم گشته از  
کتب عشق بازی مثل ایلی و مجنون و شیرین و فرهاد  
بدست بیچاره اطفال نداده و مذاقشان را بنوع  
محبوب بازی مایل نموده و تا آخرین نفس مبتلا به  
آتش شهوت نمی نمودیم

(۱۴) از اثر بی علمی است که اولاد خود را  
عوض تربیه و تکمیل و تعلیم علوم و صنایع در  
اول جوان و بل در صغر سنی و ادار بناهل کرده  
از لذایذ روحانی و معنوی و دنیوی و بل اخروی  
که بواسطه کسب کالات و هنرها حاصل می شوند  
بی بهره و محروم نموده و بواسطه ندانستن تکالیف  
حفظالصحت و نداشتن معاش متناسب و ترتیبات صحیح  
در امور خانه داری و اولاد پرستی و غیره هم خود  
شان را مایوب کرده نصف عمر می نمانیم و هم  
نیاکانشان را

(۱۵) بی علمی است که دفین گرانیهای خدا  
دادی یعنی معادن پر قیمت ملک ما را مستور و

مطلوبه نموده و مفت در مقابل منافع بسیار قلیل  
تقدیم همسایگان مینماید

(۱۶) بیعلی ما را مجبور مینماید که در بانی  
خانه خود را (یعنی عمل تذکره) با رشته‌های اسرار  
مملکتی که عبارت از ادارات پست و کمرکات باشد  
همسایگان و بیگانگان رجوع نموده مثل همسایگان  
بی دیواری باشیم که در معبر عام با اهل ملتش  
مخاطب مانده باشد !!!

(۱۷) بیعلی او این سبب تنزل دولت دو هزار  
ساله ایران (بلشش هزار ساله) و خراب آن و  
درماندگی و مذلات ملت مظلومه گشته و سبب این  
تغییرات و تناقص جغرافیای طبیعی و پلنتیکی و تجارتی  
این سرزمین شده چنانچه سرحد شرقی ما از رود  
خانه سند که در هندوستان میباشد تبدیل به محدودیت  
بجاک افغانستان و از طرف شمال عوض رود دانوب  
و بحر اسود برود ارس (و اگر از خواب بخت  
و لجاجت بیدار نشویم ترک آن چای تا قافلانکوه) و  
از طرف غرب به مرو

(۱۸) اگر علم میداشتیم در ابتدای کار که  
شاه مرحوم اعطاء مشروطیه فرموده و رفت همگی  
دست بهم داده آن شجره مقدسه را برومند نموده  
عوض این ضدیت ما بین دولت و ملت و این همه  
خونریزی نمراتش را برچیده و سبب هزاران صدمات  
حالی و مالی و آبروی نداشتیم

(۱۹) از بیعلی است که اسرار خانه و قامی  
و مکشوف اختیار نموده و با دسائیس و تدلیسات  
همسایگان با پدر و مادر و برادر و خواهر در هم  
آلوده و بمرامی و دلسوزی و چرب زبانی‌های  
بگانگان از سیئات امکارشان غافل و چنان مشغول  
بهم و جنگ خانه میباشیم که یک مرتبه سررا بلند  
مترده خود را در چنگال همان شکاریان دولت  
تا گرفتار می‌بینیم که خانه و زندهگی همه را به یفا  
بردماند یا می‌برند که در این وقت جز دست نحس  
بهم سائیدن و انگشت ندامت بدنمان گرفتن حاصل  
و نمره نخواهد بخشید

(۲۰) بیعلی ما را ننگذارد که از اغویات و  
ابطال وقت چشم پوشیده و با دیده بصیرت بتواریخ  
ترقی ملل و کتب سیر و اخلاق و نیرات پلنتیکی  
دول و ملل و کیفیت ترقی تجارت و زراعت و

صنایع دیگران نظر نموده و مطالعه کرده عبرت  
گرفته خود را مثل دواب و بعضی از طیور یا  
حشرات الارض قانع بخورد و خواب لازمی نموده  
در فکر کوشش و ترقی و رفع احتیاجات خود را  
از خارجه برانیم

(۲۱) از بیعلی بود که هر سال و بلشش  
ماهی رعایای مملکت را که در حقیقت بمنزله اولاد  
سلطان میباشند به حکام فروخته و به وجه تدبیری  
ظاهری آنها فریفته و از اثرات ردیه این علت جان  
گداز بخت می‌گذرانیدند

(۲۲) اگر علم معاش و ثروت را بلد بودیم  
سالی چند ضرور عایدات خیریه را چنان مصرف  
می‌نمودیم که هم دنیا و عقبی ما را نمرات بخشیده و  
قراء مملکت را کار پیدا و سبب ازدیاد نفوس و  
ثروت مملکتی و آبادی وطن و تیره شده هم در نزد  
خدا مسئول نمیکشتم و هم در نزد رسوائی

(۲۳) اگر علم داشته باشیم مشروطیه را که  
شکاریان تلافی پیش خودشان برای تقسیم ایران  
زمین اولین پلنتیک و دام ماهی گیری قرار داده‌اند  
با وجود مرگ ماهی انداختن دائمی شان بقوه اتحاد  
و پیغمبری و به زور اتفاق و هوشمندی از برای  
وطن بریرف و حفظ حقوق و شرف و سعادت آن  
حصن حصین قرار داده و از نیل به ترقیات دولتی  
و مملکتی و علمی و صنعتی و زراعتی و تجارتی و  
پلنتیکی و سیاسی و مالی و نظای نمک نحس بدیده‌هایشان  
پشیده و آتش طمعشان را خورده می‌نمودیم

(۲۴) اگر علم داشته باشیم از رجوع بتواریخ  
دول مشروطه به رای‌العین دیده و یقین خواهیم نمود  
که هنگام رویسیون یعنی شورش و بلوای مشروطه  
ما بر اتمی رسیده و بلکه بحسب تناسب استعدادات  
دولتی و مملکتی و ملی ما پیش از اندازه گردید و  
بمداقه تعالی و از توجه حضرت حجة‌عجل‌الله‌فرجه  
و همت و دستگیری دولت حال (دوره رویسیون)  
یعنی هنگام انکشاف و نشوونمای مشروطیه رسیده و  
بتلاقی و جبران گذشته‌ها با تدبیرات سریعه غیرالقولی  
باید خدام و عمه جات لازمی دوره اول را بایک  
قوت غالبه ساکت نموده و تا درجه قدرشان را  
دانسته و برای این دوره مقدسه اشخاص با هم و  
کار آزموده و سیاسی دان و بیخبرش را حطی کل

نموده و بکلی دست اجاب و ایار از دخالت در این عمل مقدس کوتاه داشته و بسیار هوشیارانه حرکت کرده و باز دارالشورای کبری و انجمنهای مقدس تخم افکنیهای سیادان ماهی گیر را نگذارند هر لباس مشروطه خواهی و وطن پرستی داخل شده بلکه رکن رکن گشته ارکان مشروطه و دولت و ملت ما را بهمزده و متزلزل نمایند

و این را یقین خواهند فرمود ~~که~~ مشروطه حساب آن است که با کدین و عرق چین و ندایر فیلسوفانه عقلاء بیغرض خود ملت بدست بیاید نه بدخواه و رهنمای همسایگان و اجانب و ایبار زیرا ارباب بصیرت و بلهت میدانند که نتایج حسنة مشروطه اخیر برای خود نمایند ما خواهد شد نه ملت و وطن را

(۲۵) اگر علم داشته و از روی دقت و بصیرت بتواریخ ترقی ملل رجوع نمایند ملکت خواهند شد که اولین سبب ترقی ترتیب اداره مدارس و حفظ نفوس است یعنی مرتب نمودن مدارس ولی بشرطیکه همه از روی پروگرام درست وزارت علوم بحسب مقتضیات وقت و ممالک و پیشرفت و ترقی علوم و صنایع بوده و همه از روی یک مسلك و مقصده مستقیم رفتار نمایند نه اینکه هرمدیری بیك مسلكی و مقصودی بدون دستورالعمل صحیح رفتار و اداره نموده و نتایج آنها نیز از مکاتب معمولی قدیم ما باشد ( خادم صدیق و خیرخواه ملت و دولت ایران ) ( سید رضا طیب تبریزی )

### انجمن اسلامی

( مکتوب از انجمن وطن خواهان تبتی )

شب دوشنبه ۳ شوال المکرم جناب مستطاب اجل آقای جلال الدین بیك قونسل جنرال دولت علیه عثمانیه باتفاق جناب مستطاب اجل آقای مفتاح السلطنه وزیرمقیم که از بونه برای موقع عید به تبتی آمده بودند بانجمن وطنخواهان تشریف آوردند جناب میرزا علی اکبر خان قونسول دولت علیه ایران در تبتی و جناب اجل آقای محمود بیك ویس قونسول دولت علیه عثمانی و جناب آقای نصرت الله خان نائب جنرال قونسولگری دولت علیه نیز تشریف داشتند جناب مستطاب صدر انجمن تبتی مدنی بر تشکر از جناب

اجل جلال الدین بیك و آقای مفتاح السلطنه و سایر مهمان محترم و دعای بای مشروئیت در دو دولت اسلامی و سلامت و اقتدار سلاطین آنها نمودند جناب جنرال قونسول دولت عثمانی نطق بسیار گرم محبت آمیزی بزبان فارسی مدنی بر تبریک عید سعید فطر و اطهار انوس از اسبکه در شب ۱۶ رمضان در مجلس اتحاد اسلامی بواسطه اشتباهی که در تبتی وقت شده بود نتواستند حاضر شوند فرمودند مد از آن جناب مستطاب داعی الاسلام نطق متصل مشروعی مدنی بر اتحاد اسلامی نموده و در ضمن نطق خود بدلائل تاریخی و علمی اتحاد برادران اسلامی و عدم مخالفت آنها را در مذهب مقدس واضح نمودند و پس از آن جناب مستطاب اجل آقای مفتاح السلطنه نطق مختصری مدنی بر تبریک عید و تشکر از جناب آقای جلال الدین بیك و اطهار خوشوقتی از حضورشان در انجمن و تشکر از جناب مستطاب داعی الاسلام نموده و در آخر بدعای بای سلامتی و سعادت سلاطین اسلامی ختم کردند و از طرف انجمن گردن بند گل و دسته های گل بجناب مستطاب جلال الدین بیك تقدیم شده بعد از صرف شربت و شیرینی مجلس منقض گردید

روز دو شنبه ۳ اعضای انجمن با حضور جناب صدر برای ملاقات و شریک بقونسلخانه دولت علیه عثمانیه رفته و از آنجا نیز در تاج محال هاتل بخدمت جناب آقای مفتاح السلطنه رسیدند جناب جلال بیك هم به تاج محال تشریف آوردند و بعد از ادای مراسم تبریک و صرف چای و عصرانه مجلس با تمام رسید

مخبررات کرنل لیاکوف باوقایع سکاران

( جراید روسی )

س - وضع حالیه ایرانرا بیان نماید آیا نزاع تمام شده و فتح با کدام طرف است ؟  
ج - جنگ مسلماً تمام نشده و جواب اینکه فتح با کدام طرف خواهد بود خیلی مشکل است چه دو جریان مهم پلئیسکی در ایران وجود دارد ترقی خواء و کهنه پرست که مرکبند از هیئات مختلفه با عقاید متفلونه و تمام سؤال در این است که این هیئت های مختلفه بانچه جریانهای داخلی خود

چگونه موفق خواهند شد .

عجایه فتح با ترقی خواهان است و خیلی ممکن است که مجدداً کهنه پرستان نافع شوند و برای اینکار فقط کافی است که يك نفر از رؤسای کهنه پرستان بی الحجه قفس نماید و در صدد اتحاد سائین بر آید و نیز ممکن است که پس از این فتح يك قسمت از ترقی خواهان هم به کهنه پرستان ملحق بشوند، انجمنهای طهران، تبریز، انزلی، اصفهان، مشهد و غیره طرفدار وضع جدید هستند، اگر اینها مابین خودشان اتحاد و مقاومت صحیح داشته باشند میتوانند با حملات کهنه پرستان یعنی انجمنهای اردبیل، استراباد و لارستان و غیره که در آنجا مردم بنازکی مساج شده و طرفدار وضع قدیم هستند برابری و مقاومت نمایند

بالاخره در آینده باز منتظر نزاع بزرگی باید شد و فتح با ضری خواهد بود که قوای مادی آن یعنی پول و طرفدارش زیاد باشد، و با حال حالیه حکم قطعی نمیتوان نمود و مکرر می کنم وضع فعلی مرکب از هیئت های مختلفه و مختلفه است، ولی نزاع آتی موجب خونریزی نخواهد شد، زیرا اخلاق مردم ایران طبعاً مخالف با خونریزی است.

س - اوضاع داخلی ایران چگونه است ؟  
ج - فقط درباره طهران میتوانم بگویم که وضع شهر زیاد با کم بطور اعتدال میگردد، ولی در حوالی و اطراف غارت و چپاول است که بر ضد آن قزاقها با کمال عجزه مأمورند .

س - از پانکونیک خواهش می شود بگوید که فعلاً عازم کجاست - چه بعضی میگویند عازم رزبورغ است و برخی میگویند که خیال تقلیس دارد ؟

ج - سه طاعه مرخصی گرفته ام هم به پتر هم به تقلیس خواهم رفت

س - بنابر این شما در روسیه خواهید ماند یا اینکه باز بایران مراجعت خواهید نمود ؟

ج - فعلاً در خصوص اینکه در روسیه خدمتی بمن رجوع شود هنوز معلوم نیست، تصور میکنم در این سه ساله دوایران بقدر کفایت کار کرده ام در هر صورت در خصوص مراجعت بایران در

صدد اقدام هم نیستم

س - چه شکل نظر می کنید به مندرجات بعضی از جراید که بشما در خصوص تغییر مسلك خودتان در حفظ منفعت شاه محل میکنند ؟

ج - در این باب می توانم جواب بدهم که این مندرجات بی اساس است . محافضت شاه فقط بعد از هفت ساعت قطع شد . یعنی آن وقتی که خبر رسید شاه در سفارت بست نشسته است، اضافه می کنم که از ۱۷ ژون تا ۲ ژوئیه محافضت شاه منحصر به قزاقها بود و هم خود را مصروف میداشت که با تمام قوجلو حملات که بشاه می شد بگیرد، و حاضر بود که تا آخرین لحظه برای حفظ شاه جت نماید . یعنی تا آن زمانیکه بواسطه محاصره نمودن مشروطیین مهلت جنگی کفایت می کرد

س - آیا بعد از مدتی به تقلیس خواهید آمد و پس از آمدن تقلیس چه خیال دارید ؟  
ج - مکرر میکنم که این مسئله هنوز برای من واضح نیست

( ایضاً )

بواقایع نکار اخبار دیگر

لیاکوف - وقت حرکت من از طهران میان فرقهها مناقشه و مبارزه مشاهده می شد، بعد بموجب خبر هائیکه به من رسیده معلوم میشود این مبارزه و مناقشه روز بروز شدت نموده و الآن بدرجه رسیده است که مؤثر بحیات و عیال ایران تواند شد و این احوال برای انتریک و دسبسه های دیپلماتیکی زمینی بسیار مساعد مهیا ساخته است

س - در میان کجاها این مبارزه و مناقشه اجرا میشود ؟

ج - در سر نفوذ و حکومت، هیئت مدیریه با هیئت وزرا می جنگد

هیئت مدیریه که از مبعوثان ملت تشکیل شده میخواهد زمام امور را بدست خود بگیرد، هیئت وزراء مانع میشوند، حدت و شدت بدرجه اعلی رسیده و نتیجه این اقوال خیلی مهم و مهلك خواهد گردید،

س - آیا رفتن شاه از ایران تأثیری به تغییر این اوضاع خواهد بخشید ؟ بعضی از دیپلماتیکهای روس بدین عقیده اند که گویا بعد از مسافرت شاه

اوضاع سیاسی ایران تعدیل خواهد شد .  
 ج - من بر این عقیده نیستم . تفرقه و منازعه روز بروز شدت کرده و خواهد کرد . از خبرهایی که بن رسیده معلوم میشود که خود ملت اصلاً بمجلس و افکار جدیدی که جبراً اقامی شود اعتنائی نکند . ملت ایران از اتشاش متمادی بزوار شده و چیزی که میخواهد همان تمام آسایش و استراحت است . مبارزه را اشخاص معدوده می کنند و محض برای پیشرفت مقاصد شخصی بمیدان انداخته اند . و از علمتایک اوضاع ایران را بدرجه تهی که انداخته و خیم ترین آنها این است که سپهسالار اعظم و سردار اسعد که از رجال دولتی با اقتدار ایران هستند در مقام تهی که اند . بن نوشته اند این دو شخص حالا در صدد آن هستند که استعفا داده بجه خود را خلاص کنند ، که شاید بدین واسطه تفرقه وانتریک بختام رسد .

س - بد چه خواهند کرد ؟  
 ج - بنا بر آنچه بن نوشته اند این دو شخص میخواهند بعد از استعفا در سفارت انگلیس یا روس بست به نشینند !! این اشخاص محبوب ملت هستند و اشتراک آنها در اداره امور دولت خلی از منفعت نخواهد بود . بعد از رفتن آنها در سرکار آدمهای مجهول و بی سر و پا و اشخاصیکه در دوره محمد علی شاه حکمرانی میکردند خواهند ماند . این احوال اوضاع ایران را مهلک تر می کنند . لیکن در آتیه ایران معرض بدترین تهی که ها و اشکالات خواهد گشت . و ما روسها باید هم تن چشم گشته مراقب این احوال باشیم . ثالثت ورزیدن نتایج وخیمه میدهد که علاج پذیر نیست . چنانکه از منابع موثوقه به من نوشته اند الان برادر شاه سالارالدوله با نزارخان که شوهر خواهر اوست از طرف لارستان بطرف همدان و طهران با قشون کوی می آید . این حرکت مشارایه نظر به تفرقه و منازعه میان مجاهدین و رجال دولت ایران نتایج خیلی مهم خواهد داشت . و سالارالدوله بدون ضمانت میتواند داخل طهران بشود . . .

س - مشار الیهم چه قدر قشون دارند ؟  
 ج - بلن من باید ده هزار نفر داشته باشند .  
 باگرچه این قشون سلاح کامل ندارد قط نثار باینکه

در کلیه ایران اوضاع و احوال خیلی بریشان است و قوت مقاومت در هیچ جا میا نیست در غلبه سالارالدوله شک و ریبی باقی نیماند . گذشته از این سالارالدوله تنها نیست برادر دیگر محمد علیشاه شعاع السلطنه هم تخم نفاق و تفرقه را می پاشد . و قوه انتریک و جابلوسی بتدر کتایت دارد . در زمان محمد علی شاه این شخص در علیه برادر خود انتریک می کرد و خیال سلطنت می بخت حالا در سفارت عثمانی بست نشسته آدم معقول و با تدبیر است و قدی بملاحظه بر نمی دارد

س - شما کمن می کنید که این شخص در تهیه حرکت ارتجایی میکوشد ؟

ج - بلی ! و لیکن بی معاوت از خارجه اقدام بکاری نخواهد کرد .

س - شما دائماً با ایران در مخ ابره و مکاتبه هستید و از اوضاع و احوال ایران با خبرید ؛ بصورت شما وضع روسیه در ایران چطور است ؟

ج - وضع روسیه در ایران با انگلیس یکی است . و لیکن الان عامل ثالث خیلی مهمی خود را در میان انداخته و آن آلمان است . این دولت هر نوع وشکلی می خواهد خود را محبوب قلوب ایرانیان و ناحصه حریت طلبان بکند . و برای حصول این مقصود از هیچ وسیله اجتناب نمی نماید

س - شما از جواب دادن به سئوال من طوره میزید ؛ از وضع روسیه در ایران برسیدم .

ج - خیلی تأسف می خورم باینکه ما روسها اوقات مساند را از دست دادیم . و لیکن در آینده هم غوائل و حوادث مهمه بروز خواهد کرد . ما باید مهیا شویم . ( سرش )

ملاقات امپراطور روس و بادشاه ایتالی  
 در ( یارا کوئی ) که محل تلاقی امپراطور روس و بادشاه ایتالیاست از کثرت قشون و پلیس حالت یک اردو را کسب نموده جمیع خانه ها تحت نگرا و مسارین ممنوع از ورود شده اند .

جراندایتالی تبریک ورود امپراطوری را گفته و ضمناً امید ظاهر می نمایند که این ملاقات مزید بر روابط دوستانه دولتین بشود ، چیزی که کمال اهمیت را دارد این است که شریف طبقه آزادی خواهان روم برای تشریفات امپراطوری دو

است که هماره بین دولتین روس و ایتالی اتحاد قائم خواهد ماند و ترقی و بهبودی دولتین در همین اتحاد است، امپراطور روس نشانات عالیّه خود را به (سنگورگیولیتی - ویتون) مرحمت فرمود و نیشین دیگر بسایر افسران ایتالی مرحمت شد

اعلیحضرت امایول مسیواسوالسکی وزیر خارجه و سزیر روس را و مسیو دولگوکی را نشان اول خود داد و هم بی قسم بسایر افسران روسی هم نیشین مرحمت نمود

امپراطور روس از (بارکونیکی) روانه شدند در (مودین) مسیو پیشون درکالسکه امپراطور روس وارد گردید و تا (ج-بری) در رکاب اعلیحضرت بود و بمعیت امپراطور روس و مسیو اسوالسکی تاول دعایم نموده و مشغول بصحبت بودند جرائد آلمان مینویسند که اتحاد روس و ایتالی محص آن است که جلوگیری از دولت آستریا در بالکان بشود اگرچه اتحاد ثلاثه را این ملاقات خللی وارد نخواهد آورد ولی بر استقامت ایتالی خواهد افزود

جرائد آلمان مینویسند که مسلک آلمانیا این است که امنیت را در جزیرنهای بالکان واستقلال عثمانی را حافظ باشد و امید میکند که دولت آستریا را بزخواموش سازد

مسیو اسوالسکی اظهار داشته که اعلان رسمی که در روم داده شده مطابق با میل و عقیده ما بوده، اتحاد روس و ایتالی ذمه داری صلح عمومی را می نماید مشارالیه را عقیده این است که یونان نباید اقدام بامر می نماید که خاندان سلطنتی او برباد شود

قتل برنس اینو یا مشکلات آتیه ژاپون  
(در کوریا)

(برنس اینو) را که بسارک ژاپون شناخته شده در هاربن یکی از اهالی (کوریا) بقتل رسانید و این واقعه وقتی واقع گردید که مشارالیه با مسیو (کوکوتس سیف) ملاقات می نمود و مسیو (تاناکو) که بمعیت برنس اینو بود نیز مجروح گردید و قاتل گرفتار آمد

از خبر تازه معلوم می شود که برنس اینو مشغول ملاحظه سان قشون ساخالوی بود که سه نوبت بر او شلیک شد مسیو (تاناکو) وزیر

(بارکونیکی) رفته اند .

چنان مستفاد می شود که درین ملاقات عهدنامه تجارتی بین دولتین روس و ایتالی بسته شود جرائد آلمان از ملاقات امپراطور روس و ایتالی خوف دارند که مبادا خللی در ارکان اتحاد ثلاثه واقع گردد

امپراطور روس وارد (بارکونیکی) شده و با اعلیحضرت (امایول) ملاقات فرموده توأم بقیامگاه سلطنتی رفتند

مسیو اسوالسکی وزیر خارجه روس مسیو (پیشون) را آگاهی داده که امپراطور روس در عودت از خاک فراسه با ایشان ملاقات خواهد نمود و چنان تصور می شود که ملاقات مسیواسوالسکی با مسیو پیشون حالی از مباحثات پلیدی نخواهد بود امپراطور روس بپادشاه ایتالی علی الصبح سوار کالسکه برقی شده بپیر و تاشا مشغول گردیده سپس با خانواده سلطنتی صرف ماشه نموده بشکار مرع رفتند روز با محام و یاه مینویسند که ترقی اتحاد روس و ایتالی هیچ خللی در ارکان اتحاد ثلاثه آلمان و آستریا و ایتالی نخواهد انداخت ولی بعض جرائد مینویسند که این ملاقات برای آستریا خوش عاقبت معلوم نمی شود

امپراطور روس بر قبر اعلیحضرت (همبرت) جدر گای انداخت ،

ملاقات اعلیحضرت امپراطور و پادشاه ایتالی خیلی حالصانه و محبوبانه و استقبال امپراطور خیلی باشکوه بود شهر روم را نیز آتین بندی داده دیدند .

جرائد ایتالی از اتحاد با روس اظهار مسرت می نمایند و چنان تصور می کنند که بواسطه دوستی با روس اتحاد با فرانس و انگلیس شان هم زیاد خواهد گردید ، ولی این اتفاقات با اتحاد ثلاثه خللی وارد نخواهد آورد .

امپراطور روس با اعلیحضرت پادشاه ایتالی جام صحت بیکدیگر را نوشیدند و ضمناً با منتهای شور و جروش طرفین اظهار داشتند که این ملاقات بر اتحاد دولتین خواهد افزود ، پادشاه ایتالی پیش از پیش صلح و امن خواهد گردید

امپراطور روس جواب داد که او را یقین کامل

کار راه آهن منچوریا و قونسل ژاپون و یکی از  
مصاحبین برنس ایتو مجروح شده‌اند، مسیو (کوکوتس  
سینف) با اینکه قرب برنس ایتو بود سالم جست  
قاتل در ضمن اظهارات خود بیان کرد این قتل  
بدل آن ظلم و ستم‌هاست که ژاپونان در کوریا  
نموده و اقارب او را بتل رسانیدند

چهار نفر از اهالی کوریا که مساح بودند  
گرفتار آمدند، این امر محقق گردیده که سازش قتل  
برنس ایتو مدبرانه بوده و جلوگیری دشوار بود،  
چرا که قونسل ژاپون از افسران ملکی هاربن  
استدعا نموده بود که تمام ژاپونیان را اجازه استقبال  
و ورود بایستگاه راه آهن داده شود ازین رو تمیز  
قاتل از دیگر ژاپونیان دشوار میبود

تمام روزنامهجات در خصوص قتل برنس ایتو  
اظهار همدردی می نمایند

از تلگراف هاربن مامر می شود که در  
(سیناگون) بر سه نفر مساح از اهالی کوریا شبه  
رفته بود بعد از قتل برنس ایتو دو گرفتار وسومی  
قاتل ثابت گردید

فرزند برنس ایتو در جنوا رسید در آن جا  
خبر قتل پدر را شنید

جراند روسیه از قتل برنس ایتو اظهار برایشان  
می نمایند و امید میکنند که این حادثه غیر مترقبه  
مخل اتحاد دولتین روس و ژاپون نخواهد گردید  
تمام جراند اروپا در مدح برنس ایتو قلم فرسائی  
می نمایند

لارد کرزن در ضمن تتریر خود که در تعریف  
برنس ایتو می نمود اظهار داشت که کوریا برای  
ژاپون مانند هندوستان برای انگلیس است و آن  
مشکلاتیکه ما را در حکومت بر اهالی شرق پیش  
آمده ژاپون را نیز در کوریا پیش آمده است

اعلیحضرت ادورد همتم بدستخط خود شان  
بذریعه سفیر ژاپون مقیم لندن اظهار تأسف از قتل  
برنس ایتو کرده و همدردی نسبت به باز ماندگان  
او نموده است

سرادوردگری وزیر خارجه انگلستان نیز خط  
همدردی و اظهار تأسف به وزارت ژاپون در لندن  
و سفیر خود در ژاپون فرستاده است  
وزیر خارجه ژاپون رسماً اعلان داده که قتل

برنس ایتو مسلک ژاپون را در کوریا تغییر نخواهد داد  
بنج نفر از شاعران و بسیار از امرا و  
اعیان ژاپونی تا استاسبون (توکیو) تشییع جنازه  
(برنس ایتو) را نموده، نقش برنس مذکور را  
حمل نمودند، در شوارع دو رویه اهالی محض  
تزیین ایستاده، تاریخ ۴ ماه نومبر دفن خواهد شد  
تجییز و تکین برنس ایتو در چهارم نومبر  
شد اهالی همدردی و قدردانی خدمات برنس  
تدارکات کافی نموده بودند

جنازه برنس ایتو را از خانه او الی (هییه  
پارک) تا کمال احتشام بردند، سه ساعت در معبد  
گذاردند، لارد کچنر از جانب قشون انگلیس لوازم  
احترام را بجای آورد و نش را بر عرابه توبخانه  
حمل کرده به قبرستان مخصوص بردند و دفن نمودند

### انتخابات یونان

بموجب خبر (اتن) يك از افسران بحری یونان  
(تائی پل دوس) سی نفر همراه گرفته سلاحخانه (سلامیس)  
را تصرف نمود و سپاهیان محافظ سلاحخانه ابداء  
مقاومت نه نمودند، در اتن روز افزون اهالی پریشان  
می شوند، وزیر بحری را قشون حفاظت می نماید  
و شهر در کمال انقلاب است، چه افسران کوچک  
ادارات اصلاحات لازمه را خواهان اند و عزل  
بسیاری از اسیران بزرگ را خواهش می نمایند،  
حکومت قانونی مرتب کرده که بسیاری از اصلاحات  
را حاوی است

از اخبارات جدیده مامر می شود که هشت  
فروند جهازات موشک با لغتت (تائی پل دوس)  
متحد شده يك رژیان بیاده با توبخانه در قرب  
(لبروس) واقعه جزیره (سلامیس) از طرف دولت  
فرستاده می شود و خوف آن است که تمام جهازات جنگی  
با لغتت (تائی پل دوس) شامل شوند، چه تا درجه  
اختلاف قشون بحری و بری نمایان است

بموجب تلگراف (اتن) قشون بری اظهار داشته  
که آنها در اطاعت فرمان افسران خود موجود اند  
و احکام دولت را نیز تعمیل خواهند نمود

(تائی پل دوس) اظهار نموده که دولت باید  
در پست و چهار ساعت وزیر بحری را باو تسلیم  
نماید تا اصلاحات لازمه قوای بحری را تدارک کند  
ورنه دسته جهازات موشک که تحت فرمان اوست



بر سایر جہازات خذکی حملاً خواهد نمود و جبراً خواہش خود را احماد خواهد داد و چنان تصور می شود کہ اسر مذکور دیوانہ شدہ یا دیگران اورا اتوا نمودہ اند

آخرین خبری کہ از ( اتن ) رسیدہ ظاہر می شود کہ اولس شلیک از توپخانہ باعبیان نظامی شدہ و بہت دقیقہ کامل جنگ بود و سپس بنای محاربات شد

از ( اتن ) خبر رسیدہ کہ تا اندازہ دفع اعتشاش شدہ خلاصی ہا و عملجات بندر (سلامیس) با چند نفر اسر تسلیم شدہ ، از قشون باغی یاہ مقتول و بسیاری مجروح شدہ اند ، خیلی از قشون اطراف را در ( اتن ) حاصر نمودہ و در آنجا تدارک حرک دیدہ می شود ، رعایا را از حکومت اطمینان است و با مابیان با کمال سختی پیش خواہند آمد ، از استت ( تائی پل دوس ) خبرہای غیر مطمئن میرسد . ظاہر می شود کہ او با کشتی کوچکی بہ جہاز ( ویلوس ) فرار کردہ برخی را خیال ایست کہ وی باتفاق باعبیان بر جہاز ( ایلوسیس ) گریختہ ،

بوجب خری کہ از ( اتن ) رسیدہ از جہازات ررہ بوش نیز بر کشتی ہای موشک شکی شلیک شد رسماً اعلان یافتہ کہ قورخانہ مجدد بتصرف حکومت آمدہ است

امید می رود کہ دستہ کشتی موشک تسلیم شود

حالات شہر ( اتن ) حیرت خیز است مجلس ملی تاکنون تحت احتیاط و اقتدار قوہ ندای است و بدون مباحثہ قوانین را منظور می نمایند ( لنتنت تائی پل دوس ) با اینکه از خاندان جلیل و بزرگان ہم پیرو خیالات وی بودند اینک کہ فرار نمودہ ہن طرفدارانش اطہار مسرت میانہند ، ازین امر نیز رعایا مسرورانہ کہ حبیبان بہدالت نظامی محاذہ نخواہند شد ، وقتی کہ وزیر بحری آنها را باسم عداوری یاد نمود تمام اہالی بہ نظر نفرت بر آنها گریستند ، پادشاہ و خاندان شاہی هنوز خارج از شہر اند

لنتنت ( تائی پل دوس ) و لنتنت ( دی مولس ) نصف شب بدون مقاومت گرفتار آمدند لنتنت

تائی پل دوس بدو فرار نمود ولی چون بہ طرف وی شلیک کردند قورا تسلیم شد

در ( اتن ) شہرت دارد کہ بر ( تائی پل دوس ) جرم پلندیکی وارد است و سزای آن اعدام قراو دادہ نخواہد شد

افواہی کہ درمادہ عدم طاعت جہاز زرہ پوش ( حیدرہ ) در اتن شہرت نمودہ بود دولت یونان تکذیب نمودہ اطہار میدارد کہ عملجات جہاز عززل بہ اسر خود را کہ شریک بلوا بودہ خواستہ اند

### خبر اخبارات خارجه

تلگرافی از وقایع نکار ( نیویارک هرلد ) از ( بکن ) رسیدہ کہ دولت روس بساثر دول اروپا تحریک نمودہ کہ در خارج ( ہاربن ) انتقام بہرالمللی برقرار دارند ، دامایان این امر را مشکل می دانند و میگویند در صورت وقوع این امر حقوقی برای دولت روس ثابت خواہد نمود ، چہ این امر باشندگان و اہالی منچوریای شالی را تحت الحکم دولت روس خواہد در آورد

مخبر ( روتر ) از ( بکن ) خبر میدہد کہ بموجب صدور فرمان - وکلای مجلس شورای ملی طبقاتی معین شدہ ، وکلاء شہر مرکب از شاعرادگان بید ، جنرالہای تاتاری ، خاندان شاہی . و وکلاء اضلاع ، شاعرادگان ( منگولیا و تبت ) خواہند بودہ مجلس در اجرائی عوارضات جدیدہ خاصہ رواج تفر خواہد نمود و نیز برخلاف استقراض از خارجه خواہد بود ، جراند چن تأیید این مجلس ملی را می نمایند

تلگرافی از ( ملیدا ) رسیدہ کہ قاصد ( مولی حذیط ) وارد ( رف ) شدہ و با قبائل اعراب در مسئلہ مصالحت سعی است

( سرویلیم والکوک ) امروز از اسلامبول بہ ( لندن ) رہسارشد تا برای حضر انہاربا ( مسیوپوتیمہ ) وسائر مقاطبہ کاران صلاح نماید ( مسیوپوتیمہ ) از طریق مصر خواہد رفت

وزیر اعظم اسپانیا مدیران جراندرا آگاہ نمودہ کہ از وضع اعراب قبائل ( رف ) چنان مستفاد می شود کہ عقرب صلح خواہد شد

در پاریس از پای تحت حبس خبر رسیدہ کہ اعلیحضرت منلیک قریب المارک است